

[۲] اگر و فقط اگر کمی به فکر
منافع شهروندان بودیم ...

[۳] متهم
متهم می‌کند

[۴] فرهنگ سیاسی
خشونت‌گرا

[۶] واقعیت‌های احیای
دریاچه ارومیه

[۳] عربستان و مسئله دلار
دموکراسی و زنان

[۵] کنکاشی در باب
قومیت و گروه‌های قومی

[۶] مشکلات پدید آمده
از بی توجهی به محیط زیست



نگاهی تفصیلی در باب
راهبردهای ۱۱ گانه بیانیه
نهمین کنگره
حزب اراده ملت ایران

فقدان برنامه عمل کارآمد؛ آفت مدیریت شهری

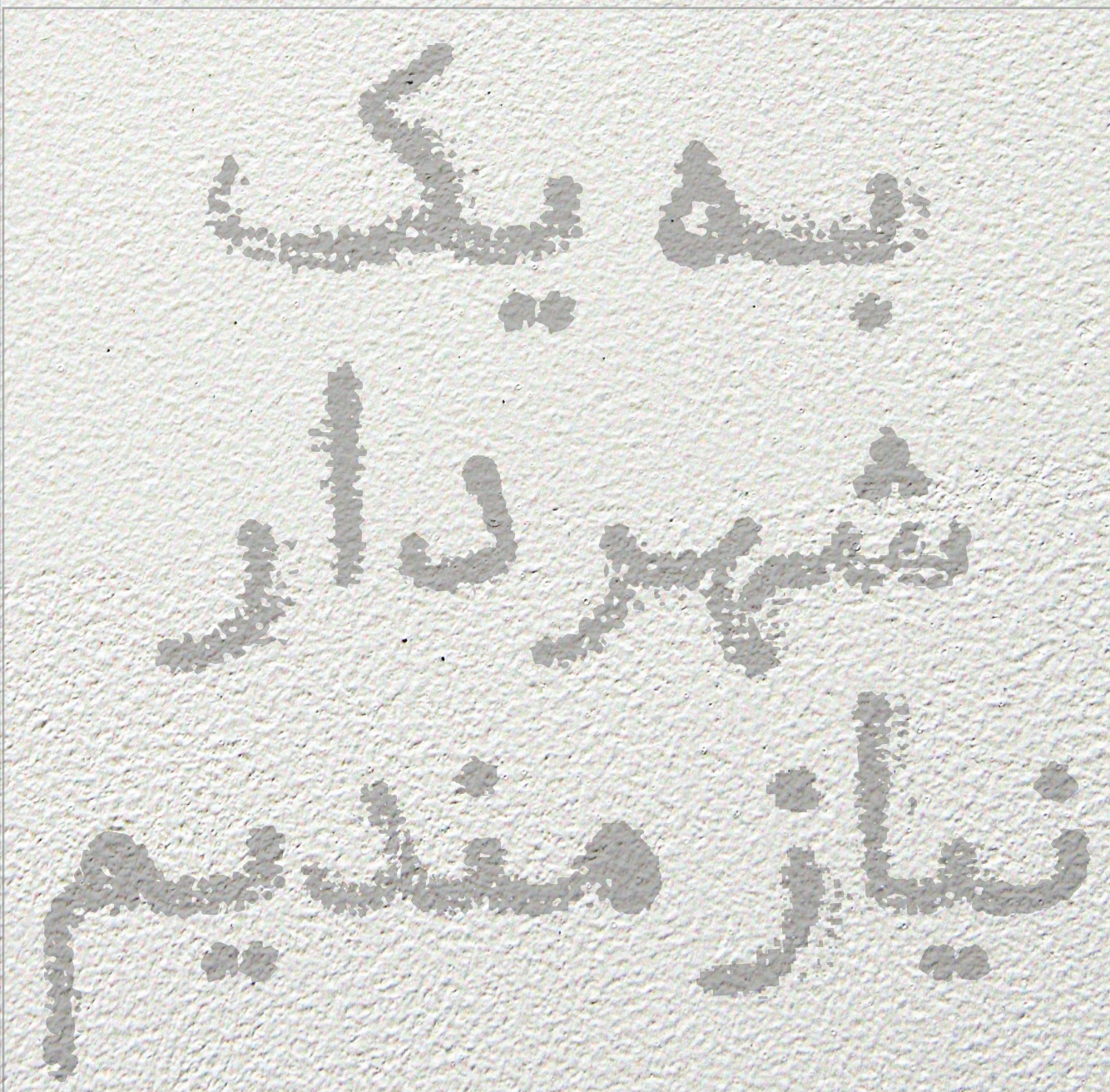
به بهانه انتخاب شهر دار تهران، رودر رو با احمد حکیمی پور

هفته‌نامه اراده ملت جهت تنویر افکار عمومی و نیز رفع سوء تفاهم لازم می‌بیند از طریق گفت‌وگوهای رودر رو به واکاوی مشکلات و اختلافات درونی جنبش اصلاح طلبی بپردازد از این رو این سلسله گفت‌وگوها را از طرفین ادامه خواهیم داد تا مسیر همبستگی عالمانه و آگاهانه میسر گردد. بنابراین در همین جاز طرفین دیگری که نویسنده نامه مذکور بوده‌اند (نه نفر) دعوت می‌کند تک تک یا به صورت جمعی در دفتر نشریه یا در حضور جمعی از هواداران یا هر طور دیگری صلاح می‌دانند. امید می‌رود با تداوم این گفت‌وگوها، دغدغه‌ها و نگرانی‌هایی می‌توانند مانع و رادعی در مقابل بهبود وضعیت جنبش بوده و موجب دوری‌ها و جدایی‌هایی شوند مرتفع ساخته و در نتیجه جنبشی که حاصل زحمات بسیاری از ملت و فرهیختگان و اندیشمندان آن بوده، در اثر بی توجهی و لاپوشانی و سرپوش گذاشتن، از هم فرو نپاشد.

انقطاع ساختاری می‌شوند. در شورا هم این اتفاق افتاده. مشکل اعضاء و افراد منتخب این است که رأی مردم را رأی به خودشان می‌دانند در حالی که این رأی مال جریان و سرمایه ملی یک طیف سیاسی است. مردمی که ساعت‌ها در صف ایستادند و به یک لیست رأی دادند الآن اگر از آن‌ها سؤال کنید شاید نتوانند به تعداد انگشتان یک‌دست از اعضای ۲۱ نفر شورا نام ببرند در دیگر کلان‌شهرها هم همین‌طور است. پس باید یک ساز و کار پشتیبانی، حمایت، هدایت و نظارت جریان بر آن‌ها باشد که متأسفانه چنین نیست. اصلاح‌طلبان ماه‌ها کار کردند و برنامه عملیاتی برای مدیریت شهری و غلبه برای چالش‌های مختلف آن ارائه دادند الآن باید پرسید این برنامه عمل کجاست؟ دلیل یا دلایل این ضعف عمده را می‌توان در حاکمیت مناسبات پشت پرده و محفلی و بانندی در جریان اصلاحات دید که مبتنی بر خصلت‌های فرصت‌طلبانه، برتری‌طلبانه و منفعت‌طلبانه است که متأسفانه مدتی است جریان اصلاحات مبتلا به آن شده و همین نکته باعث شده تا نهاد شورا که ماهیت فرهنگی، اجتماعی دارد دچار آفت سیاسی کاری و باندهازی شود که واقعاً سم مهلکی برای شوراهاست و آن‌ها را از ماهیت و اهداف اولیه دور می‌کند. حالا در دوره تأسیس شاهد چنین رویکردهایی باشیم قابل اغماض است ولی پس از چهار دوره از شکل‌گیری شورا آن‌ها از سوی اصلاح‌طلبان غیر قابل قبول است.

**مجدداً بحث انتخاب
شهر دار توسط شورای
شهر برای تهران مطرح است. به نظر
می‌رسد این دوره در اکثر شهرهایی
که اقبال با اصلاح‌طلبان بوده با مشکل
انتخاب شهر دار مواجه هستند. علت
آن چیست؟**

علت آن چند چیز می‌تواند باشد، از قبیل: ۱. ضعف فرهنگ کار جمعی ۲. جا نیفتادن نهاد شورا در ساختار نظام ۳. مشکل نظام انتخاباتی در کشور ۴. حفره‌های حقوقی در تنظیم دقیق رابطه شورا و شهرداری ۵. نادیده گرفتن هویت مستقل و یکپارچه شورا و قربانی کردن کلیت شورا و منافع شهر و شهروندان در کشمکش‌های بی‌حاصل و فرسایشی درون شورا ۶. دوری از هدف مدیریت یکپارچه شهری ۷. مداخله آشکار و پنهان مافیای ملک و مسکن و تجاری سازها در مناسبات شورا و شهرداری برای تأمین و تضمین منافع خود. ۸. فاصله زیاد بین شوراها و وجود با شوراها بی‌که قانون اساسی از آن نامبرده و تأکید کرده، اما در مورد خاص مربوط به اصلاح‌طلبان علاوه بر موارد کلی که گفتیم به یک ضعف جریان اشاره می‌کنم: اصلاح‌طلبان از سه مرحله هر کاری معمولاً مرحله قبل و حین کار را خوب پیش می‌برند ولی در مرحله سوم که مرحله بعد است می‌لنگند و دچار مشکل می‌شوند. یک علت این مسئله آن است که اصلاح‌طلبان ارتباط تعریف شده‌ای با نمایندگان و منتخبین جریان خود به لحاظ پشتیبانی تشکیلاتی و کارشناسی ندارند و دچار



سرمقاله

اگر فقط اگر کمی به فکر منافع شهروندان بودیم...



علی مهری

Ali.mehri1339@gmail.com

در داستان شورای شهر تهران که کلیه اعضای آن جریان موسوم به اصلاحات (و نه جریان اصیل اصلاحات) را نمایندگی می کنند، اگر دقت کنید از انتخاب شهردار گرفته تا اظهار نظر ها و دیدگاه های ایشان، متوجه می شوید یک جای کاری لنگه. این ها بهتر بود می رفتند وزارت کشور و در مورد سیاست داخله اظهار فضل می کردند و یا می رفتند وزارت امور خارجه و در مورد برجام و غیره، تا این که ببینند و صندلی های شورا رو اشغال کنند.

وقتی تاریخ معاصر ایران را ورق می رنی گذشته از فداکاری ها و از جان گذشتگی بسیاری از مبارزان و آزادیخواهانی همچون قله الاسلام و علی مسیو و ستارخان و کریم بزاز و چرنمایی و دیگری چون تقی زاده و جوادزاده و رفعت و... مشاهده می کنی بعد از تصویب قانون خودمختاری ایالتی و ولایتی و تشکیل انجمن های مربوطه، زمانی که کار دست مردم محلات می رسه تصمیمات عجیب و غریبی می گیرند که وقعا مایه تأسف و هیچ در قواره آزادیخواهی و نواخواهی نیست، از زنجیر کشیدن در مبادی ورودی محلات گرفته تا تشکیل محکمه های بدون قانون و کلی تصمیماتی که نشان از آزاد شدن بچه های درویشان دارد. آرزوهای کودکی و نوجوانی شان را عملی می کنند و ... آرزوهای فروخته ای که هیچ گاه نتوانسته بودند عملی کنند و الان فرصتی مهیا شده که بدون هیچ مانعی آن ها را به مثقه ظهور برسانند. این دوستان ما هم در شورای شهر، آن چنان قانون پشت قانون وضع می کنند، مانند کلافی که گره به خودش می پیچد و دست و پایش گرفتار کلاف سر در گم. آدمی فکر می کنه این ها چرا دنبال پروژه دشمن سازی از رقبا هستند؟ خودشان را با افکارشان تنها بگذاری همین جوری برای خودشان بحران درست می کنند و عاقبت عاجز و درمانده می آیند سراغ تو که چه بکنیم. ادعا این است که شورای عالی اصلاح طلبان از افراد نخبه هم باید پر شود. پرمی شود اما خروجی اش قانونیه که خودشان وضع کرده اند تا اگر رفتند شورا تونند از بین خودشان یکی رو در رأس شهرداری بگمارند. از این رو دست به دامان باز نسته و این و آن می شوند و خودشان را از بهترین فرد ممکن محروم می کنند و این می شود کلاف سر در گم.

آخه این چه کاریه؟ آب در کوزه و ما گرد جهان می گردیم؟ جالب اینجاست که همین آقایان واسطه می شوند از مجلس استفساریه بگیرند برای خلاف قانون مجلس در مورد باز نسته ها اما نمی آیند استفساریه بدهند. برای مقررات من در آوردی خودشان. ادله شان این است که فرد علی البدل موجود خطرناکی است؟! امامی توان با آمریکا مذاکره برابر کرد؟! من واقعا موندم این ها چه نخبگانی هستند و ما چه مردم بدبختی؟

علاوه بر این مسئله حقیقتاً این سؤال هم مطرح است که در انتخاب شهردار به غیر از شورا نظر چه نهادها و اشخاصی باید تأمین شود. میدانیم که تهران علاوه بر خصوصیات کبرای یکابر شهر مطرح است، هم پایتخت سیاسی کشور است و هم محل استقرار نهادهای امنیتی و ... از جمله بیت رهبری برای من قابل پذیرش نیست که این ها ساکت بوده باشند و نظری نداشته باشند و در واقع ممکن است. نقش خود شورا از صد انتخاب شهردار حتی به پنجاه هم نرسد. آیا این را قبول دارید؟

طبعاً در انتخاب شهردار تهران علاوه بر شورا عوامل مختلف مستقیم و غیر مستقیم درگیر هستند چون شهردار تهران برای مدیریت بهینه باید توان هماهنگی و تعامل مثبت با دستگاه ها و مجموعه هایی که ارتباط با مدیریت شهری دارند، داشته باشد و فلسفه حضور شهردار تهران در هیئت دولت همین است و یا تشکیل کمیسیون ویژه مدیریت شهری و کلان شهر ها در هیئت دولت به مسئولیت وزیر کشور به همین دلیل است. من بعید می دانم دفتر مقام رهبری دخالتی در انتخاب شهردار تهران بکند ولی شهردار تهران دارای قابلیت تعامل و استفاده از ظرفیت مجموعه نظام برای حل مشکلات عدیده کلان شهر تهران و اداره بهتر شهر و جلب رضایت شهروندان باشد، امر بسیار پسندیده ایست. شهرداری سنگر سیاسی و جای انتخاب کشتی سیاسی و جناحی نیست یک مجموعه خدماتی و حداکثر فرهنگی اجتماعی است.

بقول شما بخشی از این مسئله طبیعی است که در قانون پیش بینی می شود اما به نظر نمی رسد که به همین جا ختم شود و دامنه آن از قانون هم ممکن است فراتر رود حتی در مرحله انتخاب شهردار هم متوقف نمی شود و بعد از شروع به کار شهردار هم ممکن است دامنه داشته باشد. بحث این است که رأی شهروندان برای اداره شهر تا کجا ضریب نفوذ دارد. مثلاً در همین مورد که فرمودید و کار شهرداری در واقع خدماتی و اجتماعی و فرهنگی است. خود شما پیش از دو دوره در کمیسیون فرهنگی اجتماعی شورا بوده اید. طبعاً بیشتر از دیگران به ابعاد مداخلات فراقانونی هم در شهرداری و هم در مرحله شورا اشراف دارید. به ابعاد این مداخلات پیرداریم.

ایعادی که ممکن است مدنظر مقام رهبری و ریاست جمهوری و غیره هم نباشد اما تحت تأثیر آن نتواند امیال و اهداف غیر سیستمی و حتی شخصی خود را پیش ببرند مثلاً در مواردی مانند املاک نجومی و ... این ها به همین سادگی اتفاق نمی افتند و پس زمینه ای دارند. که به تحقق آن منجر می شود.

به طور کلی عده ای منافعشان در ایجاد و تشدید اختلاف در درون شورا و نیز بین شورا و شهرداری است چون در این شرایط تنش و بی ثباتی فرصت سوء استفاده و تخلف بیشتر مهبامی شود. اقتصاد شهری آن ها در جایی مثل تهران سرشار از رانت و فرصت های بادآورده است و کشمکش بر سر منافع داستان عجیبی است. به همین دلیل من در همان دور اول متوجه شدم برای تحلیل اتفاقاتی که در حوزه مدیریت شهری می افتد اگر با رویکرد سیاسی نگاه شود اشتباه و بیراه محض است بلکه باید از دریچه اقتصادی و منافع مادی آن ها را تحلیل کرد، تا برش اقتصادی در رویدادهای مربوط به مدیریت شهری ندیم تحلیل واقع بینانه ای نخواهیم داشت. در همین جا به نکته ای اشاره می کنم در دوره قبل که مادر شورا بودیم چند بار از سوی اصلاح طلبان مطرح شد که هر چند قانون ملزم نکرده ولی بهتر است اعضای شورای شهر مخصوصاً در کلان شهر ها مراکز استان ها

قبل از دوره و آخر دوره اموال خود و بستگان نزدیک خود را اعلام کنند که توجه لازم به آن نشد. خوب بود دوستان اصلاح طلب که با شعار شورای پاک و شهرداری پاک به میدان آمدند و دلو طلبانه این را می کردند و شفافیت را از خودمان شرم می کردیم

به نظر می رسد تمایل ندادن دیدن بحث دامه پیداینگذیر می گردیم به بحث انتخاب شهردار. به نظر بسیاری از صاحب نظران مدیریت شهری از معدود مراکزی است که به دلیل غیر سیاسی بودن همان طور که اشاره داشتید. داشتن ماهیت اجتماعی و فرهنگی و خدماتی نیازمند ثبات و برنامهریزی دراز مدت برای حل معضلات موجود و مشکلاتی که احیاناً در اثر بی توجهی و بی برنامگی گریبان شهری مانند تهران بگیرد و در زندگی شهروندان و چرخش امورات اقتصادی و رفاهی و حتی خدماتی وقفه هایی ایجاد بکنند که مستلزم هزینهای شهر و جامعه شهری و دولت و سایر نهادها باشد.

از این رو سؤال این است اگر واقعا اعضای شوراهای شهر چه آنان که خود را امدار جریان اصلاح طلبی می دانند و چه آنان که خود را چنین نمی دانند و حداقل قبول دارم ندانم این شهر و ندان تهران هستن و اگر غدغه های خاصی ندارند، چنانچه می توانند بر سر یک اسم توافق کنند و کار را به یک متخصص امور شهری بسپارند؟ و پیدا کردن چنین شخصی زیاد سخت نیست.

اما به نظر می رسد اراده هایی در پشت ماجرای انتخاب شهردار وجود دارد که هیچ غدغه ای برای مدیریت شهری ندارند. و شورا هم در این میان خود تبدیل به چرخ پنجم در شکه شده است. و همانی را انجام می دهد که آن ها می خواهند. من خواهش می کنم حداقل در این مورد کمی شفاف تر بیان کنید به هر حال این حق خواننده است که از پشت پرده مسائل تا حدودی آگاه شود.

من نظراتم را شفاف و صریح دارم می گویم و چیزی را پنهان نمی کنم ولی سعی می کنم قضاوت نکنم و نیز مسائل را شخصی نکنم چون مشکلات کشور مافردی نیست فرایندی است. فرایندها درست نیست و اشخاص هم

هر چه باشند در فرایندها درست خروجی مناسبی نخواهند داشت. پشت پرده همان رانت ها و منافع اقتصادی و ویژه خواری هاست. شورا هم وقتی یک جمع یکدست و از یک لیست واحد با برنامه و اهداف واحد از مردم رأی می گیرند دچار فرآکسیون بندگی و یار کشی می شوند معلوم است که منفعل خواهند شد. معلوم است که کسانی که از یک لیست واحد متعلق به یک جریان باشند نباید این قدر صداهای مختلف از آن ها شنیده شود و دسته بندی داخلی در جمع یکدست معنی ندارد مگر اینکه فرایند ایراد داشته باشد یا شکل گیری این وحدت ایراد دارد و یا شکل گیری لیست واحد مشکل دارد. همین ها جای طرح و پیگیری دارد ولی چه باید کرد که راه نقد و گفتگوی درون جریانی باز نیست و عده ای از آسیب شناسی درون جریانی طفره می روند و جابجالی می دهند و حتی گاهی فرار به جلو می کنند. بهر حال تصمیمات در بیرون شورا پخت و پز می شود و در شکل ظاهری روکش حقوقی و دمکراتیک به آن داده می شود

به نظر ما از کلی گویی و مصلحت اندیشی گذر کرد ایم کمی هم باید شفاف بود و در جزئیات وارد شد این حق شهروندان است که از کنه واقعیات و پشت پرده ها باخبر شوند. چرا چنین است؟ چرا نمی گذارند شایسته ها در مسند قرار بگیرند؟ مردم غریبه نیستند حق دارند از پشت پرده ها باخبر شوند. پیش از این و در جریان انتخابات شورا و ریاست جمهوری شما بودید که افشاگری می کردید از نامه قلیا بی گرفته تا زد و بند در شورای عالی اصلاح طلبان و رقیب و ... این سؤال پیش می آید چون دیگر ایام انتخابات نیست دیگر انگیزه تان برای افشاگری کم شده است. ما میدانیم که نا گفته های بسیاری شما و دیگر اعضای شورای پیشین دارند و دارید چرا نمی گوید. نه فقط از اصلاح طلبان بلکه از تیم اصول گراییان هم بگوئید از نابرابری ها از تبعیض در حوزه فرهنگی جامعه بگوئید از حقوق تضییع شده هنرمندان و نویسندگان و اصحاب هنر حقیقی بگوئید که چه سان در زیر دست و پای زدنندهای هنرمندان و نویسندگان و شاعران و نگارندگان و لگدمال شدند چرا این باندهای

به طور مشخص دوستانی که در آستانه انتخابات شورای پنجم بنام اصلاح طلبان پیشرو نامه پراکنی کردند و برای شکل گیری شورای پاک و شهرداری پاک رهنمود دادند که از اعضای اصلاح طلب شورای چهار نباید در لیست شورای پنجم اصلاح طلبان حضور داشته باشند، چرا الان سکوت کرده اند چنانچه آیند در یک نشست عمومی از موضع خودشان دفاع کنند. آن نه نفری که آن زمان از موضع تولیت جریان اصلاحات حرف می زدند چرا الان ساکت اند بیایند و پاسخگوی آشی که پخته اند باشند من به سهم خود در هر زمان و مکان آماده این مواجهه علنی و شفاف هستم.

به بهانه انتخاب شهردار تهران، رودر رو با احمد حکیمی پور

فقدان برنامه عمل کارآمد؛ آفت مدیریت شهری



امیدوارم فردی انتخاب شود که ساختار شهرداری تهران را خوب بشناسد و بدنه احساس همراهی و پیوند با او داشته باشد. چرا که بدنه کارشناسی شهرداری احساس نادیده شدن و بی توجهی به ظرفیت درون شهرداری می کنند و تا این حس از بین نرود بدنه شهرداری با شهردار منتخب همراهی همدلانه نخواهد کرد.

فرار می کنند. به طور مشخص دوستانی که در آستانه انتخابات شورای پنجم بنام اصلاح طلبان پیشرو نامه پراکنی کردند و برای شکل گیری شورای پاک و شهرداری پاک رهنمود دادند که از اعضای اصلاح طلب شورای چهارم نباید در لیست شورای پنجم اصلاح طلبان حضور داشته باشند، چرا الان سکوت کرده اند چنانچه آیند در یک نشست عمومی از موضع خودشان دفاع کنند. آن نه نفری که آن زمان از موضع تولیت جریان اصلاحات حرف می زدند چرا الان ساکت اند بیایند و پاسخگوی آشی که پخته اند باشند من به سهم خود در هر زمان و مکان آماده این مواجهه علنی و شفاف هستم.

مثلاً اینکه برخی دوستان عادت کردند پهلوان میدان خالی باشند و مناظره را هم فقط با طیف اصولگرایی قبول دارند ولی از بحث های چالشی درون جریانی گریزانند و حاضر نیستند پاسخگوی مواضع پرهیز و سوا لبر انگیز خود برای جریان اصلاحات باشند.

برگردیم به بحث انتخاب شهردار سه شنبه این هفته قرار است از میان گزینه های موجود رأی گیری برای تعیین دونفر نهایی انجام شود. حسب اطلاعات موجود دونفر حائز اکثریت آرا شدند به نظر شما محتمل ترین فرد برای کسب کرسی مدیریت شهرداری ابر شهر تهران کیست؟ اگر شما در شورا بودید به کدام یک از گزینه ها نظر مساعد داشتید؟

امیدوارم فردی انتخاب شود که ساختار شهرداری تهران را خوب بشناسد و بدنه احساس همراهی و پیوند با او داشته باشند. چرا که بدنه کارشناسی شهرداری احساس نادیده شدن و بی توجهی به ظرفیت درون شهرداری می کنند و تا این حس از بین نرود بدنه شهرداری با شهردار منتخب همراهی همدلانه نخواهد کرد. از طرف دیگر شهردار منتخب باید به خوبی با شورا تعامل کند و باور داشته باشد که تحت نظر شورا است و باید پاسخگوی شورا باشد و همه تلاش خود را بکند تا رابطه شورا و با در عمل مثبت و تعالی بخش برای رفع مشکلات شهر و شهروندان باشد. کسی که واجد این ویژگی ها باشد در بین کاندیداها هست ولی اجازه بدید به احترام همه کاندیداها می احترام نام ایشان را بنرم تا خود شورا تصمیم بگیرد و جوابگوی تصمیم خودش هم باشد.

فاسد و متأسفانه برقرار در سرتاسر بدنه شهرداری کماکان به زندگی لجن وار و فاسد خویش ادامه می دهند.

من اساساً افشاکن افشاکن مخالفم به نتیجه می اندیشم و معتقدم مسئله فساد و رانت خواری و سوء استفاده از موقعیت موضوع جناحی و سیاسی نیست و اتفاقاً سیاسی و جناحی کردن این مسائل باعث مصونیت خطاکاران و رانت خواران می شود و پشت نهان های سیاسی پنهان می شوند. من کماکان معتقدم بر خورد قاطع و بدون تبعیض با مفسدان اقتصادی و رانت خواران بهترین مسیر بازگشت اعتماد عمومی است. شرط لازم این هدف برگزاری انتخابات آزاد، گردش آزاد اطلاعات و چرخه منطقی و قانونمند قدرت و نخبگان و مدیران و در نهایت شکل گیری حکمرانی حزبی است.

چه کسی باید شفاف سازی بکنند، تا آنجا که بنده اطلاع دارم زمانی که شما و سایر اعضای شورای پیشین را از لیست امید کنار می گذاشتند. تیم رقیب بسیار خوشحال بود. در این قضیه نامی از رابطه آقا زاده زن خوب و یکی از اعضای فعلی لیست امید و از اعضای شورای سابق هم مطرح بود. این موضوع تا چه حد صحت داشت؟

در آن زمان زد و بندهایی انجام شده که ردیابی و پرده برداری از آن ها می تواند نقطه عزیمت خوبی برای آسیب شناسی ضعف ها و آفت های جریان اصلاحات یا بهتر بگویم مدعیان اصلاح طلبی خواهد بود. اما چون ما از قربانیان این ماجرا بودیم انصاف نیست یک طرفه بحث طرح و دنبال بشود. پیشنهادی که چند ساله کردم همین جانکرامی کتم بهتره یک یا چند نشست علنی و رودر رو در درون جریان اصلاحات در پیشگاه بدنه پرسشگر شکل بگیرد و طرفین دلایل و استدلال های خود را مطرح کنند و افکار عمومی جریان اصلاح طلبی هم سؤالات خود صریحاً مطرح کنند و پس از دریافت پاسخ ها نتیجه گیری کنند. بارها گفته هدف ما از نقد و چنین نشست های مسائل فردی و معجز گیری از اشخاص نیست بلکه می خواهیم آسیب های گفتمانی، ساختاری گرفتاری درون جریان اصلاحات را کالبدشکافی کنیم در واقع هدف نقد فرایندی است نه فردی. امانی دانم چرا از این پیشنهاد

دیدگاه

پرسش و پاسخ با وزارت امور خارجه در سامانه انتشار و گردش آزاد اطلاعات



بهمن کبیری پرویزی

bklp2001ir@gmail.com

سامانه انتشار و گردش آزاد اطلاعات اقدام مؤثری در جهت شفافیت خدمات مؤسسات عمومی کشور است. هر شهروند حق دارد از مؤسسات عمومی پرسش‌های

خود مطرح کند و مؤسسات عمومی در مدت ده روز موظف به پاسخ گوئی هستند. در صورت عدم پاسخ گوئی و در صورت موارد به کمیسیون انتشار و گردش آزاد اطلاعات، کمیسیون پاسخ را پیگیری می کند. آنچه در زیر مطالعه می کنید پرسش‌های من از وزارت امور خارجه به عنوان یک شهروند و پاسخ‌های وزارت امور خارجه به یک شهروند است:

پرسش با کد رهگیری
۱۵۳۹۶۲۳۱۲۲۸۱۶

در سایت وزارت امور خارجه بخشی به کنسول‌های افتخاری کشورهای خارجی اختصاص دارد. شرایط پذیرش کنسول افتخاری چیست؟

● پاسخ

پس از گشایش پست کنسولی، یک فرد با طی مراحل ذیل به عنوان مأمور کنسول افتخاری در جمهوری اسلامی ایران پذیرفته خواهد شد:

۱- نمایندگی دیپلماتیک دولت فرستنده می‌بایست طی یادداشتی نامزد پیشنهادی به عنوان کنسول افتخاری را به همراه شرح حال و زندگی‌نامه کامل به وزارت امور خارجه معرفی نماید.

۲- نامزد پیشنهادی برای تصدی پست کنسول افتخاری می‌بایست از اتباع ایران و اتباع خارجی مقیم دائم جمهوری اسلامی ایران باشد.

۳- وزارت امور خارجه پس از استعلام‌های لازم و بر اساس صلاح‌دید طی یادداشت رسمی موافقت خویش را اعلام و برای روانه‌ی صادر خواهد کرد.

۴- کنسول‌های افتخاری نمی‌توانند پیش از دریافت روانه و وظیفه‌ای را عهده‌دار شوند.

۵- کنسول افتخاری، بعد از اخذ پذیرش بایستی برای تقدیم اعتبارنامه‌ای که به اعضای وزیر امور خارجه کشور فرستنده رسیده با مدیرکل تشریفات دیدار نماید.

۶- حویاچند دولت می‌توانند با طی مراحل فوق شخص واحدی را به عنوان مأمور کنسول افتخاری خود نزد کشور مان منصوب کنند.

پرسش با کد رهگیری
۱۵۴۱۰۴۷۲۸۴۷۰۵

حدود دو هفته است که تعدادی از مرزبانان ایرانی توسط گروه‌های در پاکستان ربوده شده‌اند.

۱- چه گروه‌هایی مرزبانان را ربوده‌اند؟

۲- چه اقداماتی تاکنون توسط وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران صورت گرفته است؟

۳- دولت پاکستان چه همکاری‌هایی در این مورد کرده است؟

● پاسخ

۱- برخی گروه‌های تروریستی فعال و حاضر در بخش‌هایی از خاک پاکستان اقدام به این جنایت کرده و رسماً نیز مسؤولیت آن را بر عهده گرفته‌اند. در خصوص اطلاع از نام گروهی که به این جنایت دست زده است می‌توانید به اخبار و اطلاعات منتشر شده در سایت‌ها و خبرگزاری‌ها مراجعه کنید.

۲- اقدامات وزارت امور خارجه:

(الف) تماس تلفنی وزیر امور خارجه کشورمان با وزیر امور خارجه پاکستان (در همان روز وقوع این جنایت)

(ب) تشریح اقدامات از سوی سخنگوی وزارت خارجه (۹۷/۸/۱) در گفتگو با خبرگزاری‌ها

۳- اقدامات مقامات پاکستانی

مقامات پاکستانی در دیدارها و ملاقات‌هایی که با مقامات کشورمان داشته‌اند بر اهمیت روابط و حسن همسایگی با کشورمان تأکید داشته‌اند و اطمینان داده‌اند که تمامی امکانات و ظرفیت‌های خود را برای

عربستان و مسئله دلار، دموکراسی و زنان

ادریس محمدی
روزنامه نگار و فعال سیاسی

Edrismohammadi1994@gmail.com

مسئله‌ای که همیشه عربستان را از دید بسیاری از مسلمانان دنیا متمایز می کند؛ خانه کعبه است. اما همه دنیا، عربستان را به این صورت نمی‌بینند. بسته به اینکه کجای دنیا باشید، نگرش‌تان نسبت به این کشور متغیر خواهد بود. اگر از ساکنان مغرب زمین باشید، بیش از هر چیزی در مورد عربستان - از شتر و صحرا گرفته تا گرمای سوزان آن - نفث و پول عربستان برایتان نمود بیشتری دارد. اگر ایرانی باشید، از مسئله کشته شدن حجاج، تجاوز به چند ایرانی و تهدیدهای بن سلمان گرفته تا لشکر کشی آنان در زمان خلیفه دوم مسلمانان و صلابت‌های عملی موسوم به وهابیت ذهنیت شمار اپیزمون عربستان شکل می دهد. تکلیف یمن در گیر در جنگ با عربستان و قطری که اکنون از جانب اتحادیه عرب متخاصم نامیده می شود نیز به طریقی اولی مریهن است.

اما نکته‌ای که گمان می رود که بسیاری از آن غافل هستند؛ اوضاع داخلی عربستان است. اینکه عربستان از دید یک عربستانی چگونه کشوری است؟ آیا هم و غم اصلی شهر و ندان این کشور نیز محدود به کعبه، پول نفت، شهر توریستی در حال ساخت و... می گردد یا مطالبات عمیق تری نیز به چشم می آید؟ اگر چه با روی کار آمدن بن سلمان، ولیعهد جنبالی و جوان سعودی، بحث پیرامون اصلاحات داخلی و حرکت رویه جلو بیش از پیش به میان می آید. اما گمانه زنی هادر مورد میزان تعمیق رفرفر ماسیون موجود، بسیار جریان را پیچیده تر می گرداند. اینکه آیا به راستی عربستان حرکتی رویه جلو به سمت توسعه یافتگی را می پیماید یا صرفاً نمادی آن گردیده تا افکار جهانیان را با خود همسو کند؛ یکی از پرسش‌های اصلی مطرح و حراز جانب تحلیل گران، به ویژه در جهان عرب می باشد. به خصوص پس از قتل جمال خاشقچی در کنسولگری عربستان در ترکیه، این نظریه که بن سلمان در راستای تحکیم پایه‌های قدرت خود و مشروعیت در محافل بین المللی لایه‌ای نازک از رفرفر ماسیون را به نمایش گذاشته و بیش از پیش تقویت می نماید.

مردم عربستان به لطف پول نفت و حجاج و البته سرمایه گذاری‌های خارجی همواره از نظر مالی تأمین بوده و با وجود تیروهای خارجی کار که عموماً از کشورهای پاکستان، اندونزی و برخی از کشورهای آفریقایی به عربستان مهاجرت می کنند از تیروی کار ارزانی بر خوردار هستند. شرایطی که از نظر اقتصادی برای فشرهای مرفه تر عربستان بسیار ایده آل می نماید. به صورت کلی تر، حکومت عربستان به دلیل درآمدهای سرشار توانسته که با کشورهای صنعتی ارتباط مالی برقرار کند؛ ارتباطی که از هر نظر به اصطلاح (برد - برد) می باشد. عربستان سلاح‌های سنگین و سبک، تجهیزات پزشکی، لوازم خانگی، ماشین و... می گیرد و طرف مقابل نیز از برکت پول آن‌ها بهره مند می گردد! مؤسساتی چون گاردین و اینترنشنال بیزنس تایم آماری خیره کننده از میزان حجم خرید سلاح توسط عربستان از کشورهایی چون آمریکا منتشر نموده‌اند که نشان از سطح وسیع گردش مالی دارد که سالانه میان عربستان و کشورهای صنعتی و توسعه یافته در حال تبادل است. آن طوری هم که آمار و ارقام گزارش می دهند؛ این کشور از نظر تولید ناخالص داخلی ملی، امید به زندگی و سرمایه گذاری‌های خارجی و... کشوری رویه رشد بوده است. به عنوان مثال طبق گزارش فوربس در دسامبر ۲۰۱۵ رشد ناخالص داخلی عربستان ۳.۵٪ بوده در همین مقطع زمانی چیزی حدود ۷۵۳ میلیارد دلار در آمد ناخالص داخلی داشته و جزو ۷۴ کشور برتر برای سرمایه گذاری شناخته می شود؛ که با احتساب جمعیت تقریباً ۲۹ میلیون نفری این کشور، می توان گفت، مردم این کشور از نظر اقتصادی - اگر کمی مبالغه به خرج دهیم - از نظر اقتصادی در کشور آرزوهای زندگی می کنند!

بنابر این عربستان با توجه به این قدرت اقتصادی، می تواند فقر را ریشه کن کند، اسباب کار و تحصیل و ازدواج و... را سهولت بخشد و



متهم متهم می کند

حسین بختیاری زاده
فعال سیاسی
Bakhtian95@yahoo.com

عربستان پس از دو هفته تکذیب و تناقض گویی، سرانجام قتل خاشقچی را پذیرفت و آن را به عوامل خود سر نسبت داد. اکنون می توان این پرسش را مطرح کرد که قتل منتقد عربستانی چگونه قابل تحلیل است و چه پیامدهایی به همراه دارد؟ این نوشتار پاسخ‌هایی کوتاه در بر دارد:

۱- عربستان از زمان قدرت یابی شاهزاده محمد،

رفتارهای عجیب و جنون آمیز سامان داده است. تداوم دخالت فاجعه آمیز در یمن، بازداشت حریری و نابودی خاشقچی از جمله این رفتار هاست. محمد - که در قامت مصلحی جوان از پله‌های قدرت بالا رفت - بیش از گذشته در افکار عمومی به ویژه در سطح بین المللی بی اعتبار خواهد شد. قتل خاشقچی همه نمایش های عربستان را در چند ماه گذشته بر باد می دهد. هر چند عربستان برخی آزادی های اجتماعی را برقرار کرد، اما در باره منتقدان چنان افسار گسیخته است که کنسول گری هو د را به محل خفت گیری منتقدان بدل کرده است.

۲- ترامپ هفته گذشته دخالت عناصر خود سر

در قتل خاشقچی سخن گفت. اظهارات او مسیر آینده را مشخص کرد و آشکار شد عربستان قتل او را به افراد خود سر نسبت خواهد داد. اگر بکا از زمان ترامپ بیش از پیش به عربستان نزدیک شده است. عربستان به سبب منابع مالی فراوان و دشمنی تازه پدید با ایران، برای ترامپ اهمیت دارد و قتل منتقدی مانند خاشقچی برای رئیس جمهور آمریکا - که همیشه علیه منتقدانش موضعی خشمگینانه دارد - موضوعی حاد محسوب نمی شود.

۳- رسانه‌ها در پی گیری موضوع قتل خاشقچی

فعالانه رفتار کردند و اجازه ندادند سیاستمداران، این موضوع را در چارچوب توافق های پنهانی، ماست مالی کنند. قدرت رسانه‌ها از مهم ترین عواملی بود که مانع شد شخصی مانند ترامپ چشم خود را بر حادثه قتل خاشقچی ببندد.

۴- سر نوشت معترضان و منتقدان در خاور میانه،

مبهم و پرخطر است. مخالفان سیاسی در حکومت‌های توسعه نیافته به ویژه خاور میانه در یک قرن اخیر، در بهترین شرایط گرفتار زندان بوده‌اند.

۵- عربستان برخی مقام‌ها را برکنار و یازداشت کرده است. اقدامی نمایشی، که فقط باید آن را تلاش برای خلاصی از وضع پیچیده امروز دانست. آشکار است که اقدامی در این سطح بدون دستور بالاترین سطوح قدرت در حکومتی به شدت فرد محور، رخ نمی دهد. اما جالب است که همواره یکی از راهکارهای حکومت‌ها برای مدیریت بحران‌های پر خاسته از خفه کردن مخالفان، پیش انداختن عوامل فرمان بر اجرایی و پنهان شدن آمران اصلی است. رفتاری که گاهی در همین نزدیکی هم قابل مشاهده است.

۶- پادشاه عربستان شاهزاده محمد را رئیس

کمیته بررسی قتل خاشقچی قرار داده است تا بدین ترتیب متهم ردیف اول ماجرا خود مسئول پی گیری آن شود. رویدادی که فقط در عربستان - این سرزمین عجایب می تواند رخ دهد.

دیدگاه

بنیادگرایی در جنبه عقلائیت

بخش پنجم

مهندس کاظم جمالیان
عضو کمیته مباحث بنیادین
حزب اراده ملت ایران
Besta.co@gmail.com

همه گروه‌های سیاسی در کشور ما زنجیره‌ای از جریان گفت‌وگوهای عقلانی را شکل داده‌اند و می‌دهند و به تجربه دریافت‌اند که اقبال مردم ایران شامل گروه‌های سیاسی‌ای می‌گردد که مؤلفه‌های بیشتری از این گفت‌وگوها را در برنامه و چشم‌انداز خود دیده باشند. مصداق روشن آن همین انتخابات مهندسی شده سال‌های اخیر در کشورمان را به‌روشنی و با دلیلی بسیار محکم می‌توان نام برد. در این انتخابات مردم ایران تا آنجایی که سرسوزنی فرصت یافتند گروه سیاسی نوگرا که گفت‌وگوهای عقلانی به‌عنوان شاگله اصلی شعار انتخاباتی آنان بشمار می‌آمد را در مسند ریاست جمهوری دولت نمایندگان مجلس و شورای شهر انتخاب نمایند و لازم است و باید که این انتخاب و این تحول میمون و مبارک و عظیم یعنی اقبال مردم ایران به گفت‌وگوهای عقلانی را با تمام قدرت و توان به فال‌نیک گرفت و ارزش نهاد و به شایستگی هر چه بیشتر تبیین نمود و از ثمرات آن نیز بهره برد و با همت و توجه به مسئولیت تاریخی و ضرورت درک و یادآوری ناکامی‌های سنگین؛ به فرصت‌طلبان و تمامیت‌خواهان زمانه‌مان مجال نداد تا کام ملت ایران را که از میوه‌های شیرین این اقبال آشنا گردیده‌اند را همچون گذشته به تلخی رهنمون سازند. سابقه دم‌کراسی خواهی ملت ایران در بین ملت‌های منطقه و نتایج اندک به‌دست آمده از آن به‌قدر کافی ناتوان است که موجب عدم جلب رضایت مردم ما گردد و آن برمی‌گردد به آسیب‌ها و وقعه‌هایی که در اثر عدم پیگیری مستمر مردمی و نبود نهادهای مدنی و به تبع آن استقرار حکومت‌های شاهنشاهی و مستبد، و دیکتاتورها تمامیت‌خواهی هم که حاصل شد و محصول آن هزینه‌های گزافی است که از کیسه ملت ایران به نیغامی رود و بسیاری از فرصت‌های تاریخی را چوب تاراج می‌زند و امروز مائیم و این فرصت‌هایی که باید چشم عقل را کاملاً باز نگاه داریم و آنچه به دست آورده‌ایم پاس بداریم و در تقویت آن بکوشیم. به هر صورت یکی از زمینه‌های مهم در شکل‌گیری جنبش‌های خشن به‌ویژه به آمریت بنیادگرایان در دهه‌های اخیر وجود حکومت‌های خودکام و نبود نهادهای مدنی و بنیادهای مردم‌سالارانه نوگرا در کشورها بوده است. با وجود احزاب مترقی و مستقل و مطبوعات آزاد علی‌رغم وجود جنبش‌های بنیادگرا همواره راه‌های مسالمت‌آمیزی برای بیان دیدگاه‌ها و فعالیت سیاسی وجود دارد به همین دلیل نیز هیچ‌گاه خشونت با اقبال عمومی روبرو نمی‌شود در عین حال از جمله دلایل اقبال نسبی به بنیادگرایی، دور بودن آنان از صحنه عملی سیاست‌ورزی و امور اجرایی روزمره کشور است که این امر به دلیل املاء نانوشت‌های هم سابقه پاک و جدائی را برای آنان فراهم می‌نماید و هم به دلیل استفاده‌های پوپولیستی و آرمان‌گرایانه و رادیکال‌شان - تا اینکه بتوانند از میان ناراضیان به سیاست‌های دولت‌های حاکم؛ هوادارانی بیابند البته در مواردی که آنان موفق به رسیدن به قدرت شده‌اند یا به سرعت به‌سوی نوگرایی، عقلانیت و تعدیل شعارهای افراطی و آرمان‌گرایانه و پذیرش اسباب و لوازم عرفی اداره دستگاه‌های اجرایی حرکت کرده‌اند و یا به دلیل ناکارآمدی به سرعت به محبوبیت خود را از دست داده‌اند و از گردونه حمایت مردمی خارج و سقوط و نابودی، سرنوشت محتوم آنان را رقم زد و این تجربه ایست که بعضی از کشورهای در حال رشد و در حال توسعه و در حال گذار به کسب آن (عدم محبوبیت بنیادگرایان) بپسری برند.

علی اکبر مختاری
روزنامه‌نگار و فعال سیاسی
aamokhtari20@gmail.com

عصر مدرن با عقل‌گرایی و خردورزی همراه است و استیلائی عقلانیت، انسان‌مدرن را به دنیای عاری از جنگ و خشونت و روابط مسالمت‌آمیز رهنمون کرده است. در گذشته چنانچه ظهور و سقوط پادشاهان و انتقال قدرت سیاسی با خشونت و جنگ‌های خانمان‌سوز انجام می‌گرفت، در دنیای مدرن انتقال قدرت با روش‌های نرم و تعامل بین گروه‌های جامعه میسر است و سعی می‌شود از خشونت و درگیری‌های سخت که آسیب‌های مادی و معنوی جبران‌ناپذیری بر نسل‌ها وارد می‌کند اجتناب شود. نقطه آغازین این رویکرد که با شعار آزادی، برابری، برادری بود از انقلاب کبیر فرانسه شروع شد که ساختار مطلق‌گرایی و حق حکومت دائمی یک فرد بر همگان را شکست و تکرار، جمهوریت و حق انتخاب به روش مسالمت‌آمیز و به‌دور از خشونت در دست‌یابی به قدرت سیاسی مورد توجه قرار گرفت. هر ملتی به جهت اختلافات داخلی، هجوم اقوام خارجی یا همراهی با ائتلاف‌ها در جنگ‌های جهانی آسیب‌های خشونت و درگیری را تجربه کرده است لذا تلاش دولت‌ها، نهادهای افراد صلح‌طلب در آنست که افکار و رفتار جامعه را به‌سوی صلح و دوستی و تعامل مسالمت‌آمیز هدایت کنند و در این امر فرهنگ‌سازی می‌کنند. متأسفانه در تاریخ ایران خشونت و جنگ‌طلبی در روابط بین ایرانیان یا روابط با خارجی‌ان پررنگ است. نظام حذف و سرکوب، فرار ایزدیسون، کشمکش نخبگان سیاسی و دو انقلاب بزرگی که در دوره معاصر رخ داده با آمار درگیری‌ها و خشونت در جامعه همگی نشانه فرهنگ خشونت‌گرای جامعه ایران دارد. در دوره جمهوری اسلامی اگرچه طبیعت انقلاب با موج عظیم خشونت و ترور و اعدام‌های انقلابی همراه است ولی با تداوم روحیه انقلابی و ترویج عمل انقلابی عملاً خشونت و کنش خشونت‌آمیز ترویج و نهادینه شده است و گه‌گاه برداشت‌های اشتباه از انقلابی‌گری یا

آتش به اختیار بودن موجب مشروعیت بخشیدن به خشونت می‌شود؛ در خداداهایی همچون تسخیر سفار تخته‌ها برهم‌زدن سخنرانی‌ها و ترور نخبگان سیاسی، اسیدپاشی، ضرب و شتم نمایندگان مجلس، بازداشت نمایندگان مجلس با ترندهای خاص یا سکوت حاکمیت در مقابل گروه‌های فشار همگی نشانگر آنست که عمل سیاسی همیشه بار خشونت و کنش سخت و استفاده از ابزار زور را همراه دارد. لذا این سؤال به ذهن متبادر می‌شود چرا گفتگو و مسالمت و مدارا در رفتار و کردار ما کم‌رنگ است و همیشه رسیدن به

اهداف سیاسی با خشونت و کنش سخت همراه است؟ بایان چند نکته به صورت مختصر می‌توان ریشه‌شناسی خشونت در فرهنگ سیاسی ایرانیان را مورد بررسی قرار داد.

اولین نکته سنت‌های ناسالم سیاسی در فرهنگ ایرانیان است تأثیر نامطلوب نظام‌های اقتدارگرا و استبدادی در ذهنیت و گرایش‌های سیاسی جامعه، موجب تداوم فرهنگ خشونت‌طلب شده است. برتری زور به‌جای اندیشه و خلاقیت، رسوبات ذهنی از فرهنگ ایلی و عشیریه‌ای، تصاحب قدرت با زور و غریز، توطئه جهت حذف مخالفان، فقدان

مدارا و تساهل، درونی نشدن فرهنگ نقد و گفتگو، فرهنگ آمرت و تبعیت، رشد و ترویج شخصیت اقتدارگرا، همگی از مؤلفه‌های زیست در ساختار سیاسی اقتدارگراست که مروج خشونت هستند. دومین نکته روحیه انقلابی یا انقلابی‌گری است. واژه انقلاب از ادبیات مارکسیستی و در دوره معاصر به فرهنگ سیاسی ایران نفوذ کرده است. مفهوم انقلاب در اندیشه مارکسیستی تقدم عمل بر اندیشه است یعنی در این رویکرد برای تغییر شرایط توصیه می‌شود منتظر تحول در طولانی مدت و با تغییر نگرش‌ها و ذهنیت‌ها نباشید بلکه به‌طور

نقد و آسیب‌شناسی نحله (مشرّب و مسلک) سیاسی اصلاح‌طلبی

۲



در شماره قبل مقدمات مطرح و تا حدودی راه را برای ورود در متن اصلی بحث هموار کردیم و به‌نوعی این ظرفیت را با ادله‌هایی که ارائه دادیم در تم اصلی موضوع گنجاندم که در آن به صورت ساده بیان داشته شود که فعالیت در عرصه سیاست

با فلسفه اصلاح در امور مردم و یا بهبود در شرایط کلی زندگی و فعالیت شهر و ندان به انجام می‌رسد، حال با تکیه بر این تعریف ساده می‌توان این انتظار داشت که اگر مجموعه‌ای، گروهی، تشکلی و یا حزبی تشکیل می‌شود در اصل وظیفه‌اش تلاش برای انتقال زندگی شهر و ندان از موقعیتی به وضعیتی مطلوب می‌باشد و این انتقال فعالیت را می‌مانست که باید با خود این سه ویژگی را به همراه داشته باشد: ۱- حرکت ۲- اصلاح ۳- بهبود؛ تا بر این مبنا گفته شود که وجود حزب و تشکل می‌باید با حرکت توأم باشد تا نشان دهد که این موجودیت قادر است خود و مردمان را از نقطه‌ای به نقطه‌ای دیگر و یا از موقعیتی به موقعیت بهتر انتقال دهد، اما از آنجا که هر جابجایی توأم است با تأثیر در عناصر و محیط پیرامون مسلم است که این تأثیر می‌تواند با همراهی آن‌ها توأم شود و یا مقاومت آنان را در مقابل خود برانگیزاند که برای مدیریت این دو حالت احتمالی باید حزب و یا جریان سیاسی قادر به اصلاح نوع ارتباط و اثربخشی که از آن انتظار می‌رود باشد.

حسن اسدی
عضو شورای عالی سیاست‌گذاری
حامی استازان جهان
hasan.sadi.1338@gmail.com



عنوان این سلسله از گفتارها از اطلاق عنوان جریان به مجموعه فعالیت‌های مصطلح به نام اصلاحات خودداری کردیم و در عمل بدان عنوان مشرب (روش دینی، کیش) و یا مسلک (روش، طریقت، طریقه) نهادیم. اگر به سه خصوصیت برشمرده شده برای یک جریان تاریخی توجه گردد خواهیم دید که در هیچ وصفی که از مجموعه تاریخی اصلاحات می‌توان ارائه داد نمی‌توان سه خصوصیت حرکت، اصلاح و بهبود را در این مجموعه و زیر مجموعه‌های آن که مصطلح به نام احزاب اصلاح‌طلبی شده‌اند مشاهده کرد. ممکن است که دوستان اصلاح‌طلب ما در پذیرش این احصاء معنی از مجموع

در اصلاح امور مردم موفق عمل نماید که از توان اثربخشی بیشتری برخوردار باشد و یا بودنش به زنبودنش باشد. پس از اصلاح و یا نتیجه‌ای که از اصلاح استخراج می‌شود و به‌نوعی غایت همه فعالیت‌های جمعی سازمان‌یافته و یا بالاتر از آن غایت هدف انسان از انتخاب زندگی جمعی می‌باشد مفهومی تحت عنوان بهبود است که اگر از مجموعه حرکت‌ها و اصلاحات شکل گرفته‌ایم مفهوم عینیت‌نیابدمی‌توان آن حرکت را عبث و بیهوده نامید. با توجه به این تعاریف که به‌نوعی ارائه تصویری شماتیک از غایت فعالیت‌های جریان‌ی و حزبی بوده به این ابهام ورود می‌کنیم که چرا در مقدمه و در

فعالیت‌های صورت گرفته در سالیان گذشته با مقاومت و به‌نوعی رد یا خشونت وارد شوند و بگویند که این نوعی برداشت سوگیرانه و به‌نوعی تخطئه‌آمیز از جریان اصلاح‌طلبی در ایران می‌باشد و باین توجیه به رد مفاد تحلیل و تکفیر تحلیل گردست‌بزنند. اما این دوستان باید بدانند و قبول کنند که میان مذهب، فرقه، شیوه و مکاتب فکری، عقیدتی و فرهنگی که نحله اصلاح‌طلبی بیشتر در این قالب‌ها جا می‌گیرد با یک جریان حزبی تفاوت فراوان است و این تفاوت‌ها خود را در میدان عمل نمایان می‌سازند و ربطی به قبول و یا رد موضوع از سوی رهبران، اعضا و هواداران آن‌ها ندارد و متأسفانه این تفاوت‌ها مؤید حق

مستقیم یا عمل فوری و به‌طور فیزیکی شرایط سیاسی را دگرگون‌کنند و این دگرگونی با قاطعیت که همراه با خشونت است عمل انقلابی نامیده می‌شود. لذا اگر انقلاب برای رهایی ازین پست و در مقطعی کوتاه، مفید و مطلوب به نظر می‌رسد ولی تداوم انقلابی‌گری چنانچه به برهم زدن و خشونت دائمی در سیاست باشد به نامی و معضل دائمی در سپهر سیاسی تبدیل خواهد شد. چنانچه امروزه تفاسیر نادرست و کژتابی‌ها در فهم از انقلابی‌گری و روحیه انقلابی ما را به این سو برده است. نکته سومی که موجب ترویج خشونت می‌شود احساس بی‌معنایی سیاسی است. همان‌گونه که حکومت سعی دارد توزیع عادلانه ثروت در جامعه برقرار باشد در خصوص قدرت نیز باید همگان از تأثیر فردی خود در قدرت سیاسی و حکومت در چارچوب احزاب یا نهادهای صنفی احساس رضایت داشته باشند. چنانچه در قوانین مختلف مسیر مشارکت مردم در تصمیم‌سازی و هدایت قدرت سیاسی معلوم و مشخص باشد ولی نخبگان اجرایی با ترندهای مختلف، قدرت تعیین‌کنندگی و تأثیر آرای مردم را کاهش دهند، جامعه دچار احساس بی‌خوشی می‌شود و به‌نوعی سیاسی می‌شود و تداوم این وضع به خشونت سیاسی یا انفعال سیاسی یا واکنش‌های هنجار شکنانه همراه است.

نکته آخر در بیان دلایل خشونت‌گرایی مربوط به شکاف‌های اجتماعی جامعه ایران است. اختلافات قومی، طبقاتی، نژادی، دین، عقیده و ایدئولوژی در بین ایرانیان بسیار بالا و متفاوت است و در تصمیم‌گیری‌های کلان همیشه درگیری و تضاد به وجود می‌آورد و این اختلاف‌ها معمولاً با سهم خواهی و خشونت همراه است. بنابراین بسترهای تاریخی و سیاسی رشد خشونت در جامعه ایران فراهم است و با غفلت و عدم سیاست‌گذاری درست، سنت‌های نامطلوب تنش‌زا و فرهنگ خشونت‌گرای رشد می‌یابد. شایسته است برای آینده‌ای بهتر و زندگی با امنیت و ایمنی روانی و رشد استعدادها و تکثرگرایی، ترویج فرهنگ صلح و دوستی و مبارزه با خشونت‌طلبی در دستور کار همگان قرار گیرد.

و یا استحقاق قرار گرفتن اصلاح‌طلبان در طیف جریان‌های فعالیت‌های سیاسی در صحنه عمل دیده نمی‌شود. مطمئناً در ادامه مطلب آنجا که به ویژگی‌های تعریف‌شده از حزب و جریان آن‌هم نه در نزد ممالکی چون ما که خود آن نامی را که می‌پسندیم بر خود می‌نهمیم بلکه در جوامعی که قرن‌ها در این حوزه دارای تجارب میدانی می‌باشند، می‌پزدازیم به ضعف‌های ساختاری مؤید ادعای صورت گرفته در این خصوص که اصلاح‌طلبان ایران هنوز با واقعیتی به نام فعالیت حزبی و جریان دار فاصله بسیار عمیقی دارند اشاره‌های مصداقی خواهیم داشت.

دیدگاه

کنکاشی در باب قومیت و گروه‌های قومی

بخش دوم



ضروری در بطن جامعه و تاریخ باشند، پدیده‌هایی جدید و محصول تحولات مدرن نظیر کاپیتالیسم هستند.

در دهه ۱۹۷۰ نسل جدیدی از دانشمندان علوم اجتماعی به جنبه‌های سیاسی مسئله قومیت پرداختند و تلاش داشتند تعاریف یکسانی از گروه قومی و ملیت ارائه دهند. ساخت واژه جدیدی همچون «ناسیونالیسم قومی» و «سیاست قومی» توسط آن‌ها به آشنفگی موجود درباره مسئله قومیت با مفهوم ملیت و دولت سازی بود. جالب است بدانیم این واژه‌ها و اصطلاحات غالباً در علوم سیاسی پدیدار شدند و پیدایش آن‌ها نتیجه پیشرفت و گسترش مطالعات قومی در انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی نبود. ساخت واژه ناسیونالیسم قومی و تعمیم کاربرد آن حاصل تلاش واکر کونور بوده است. کونور بر این عقیده بود که عامل ماهیت ملیت «خودآگاهی» است! کونور عمده‌خطا را در دریافت‌های علمی درباره ناسیونالیسم می‌دانست و می‌عقب‌نویسد که ناسیونالیسم به‌غلط احساس وفاداری به دولت جافانده است در حالی که وفاداری به ملت تفسیر صحیح این واژه است و تلقین‌کننده رگ‌وریش‌های ملی است. همان ایام‌شنایدر در نقدی به کونور اشاره داشت: معیار کونور برای برابر دانستن مفهوم قومیت و ملیت مبنایی نژادی از ملیت ارائه می‌دهد زیرا از نظر او گروه قومی بر اساس وحدت نژاد و فرهنگ توصیف می‌شود. به گفته‌اشنایدر چنین تعریفی از ملیت مشکلات و آشنفگی بیشتری ایجاد می‌کند و این‌ها در حالی است که احساس تعلق به یک نژاد همانند تعلق به یک گروه قومی نیست.

ماحصل مباحث مطرح‌شده این است که مفاهیمی چون قومیت، گروه‌های قومی، قبیله و ناسیونالیسم قومی ناروشن است و در مورد تعریف و ویژگی‌های آن‌ها توافق وجود ندارد. در حالی که اصطلاحاتی چون قومیت و گروه‌های قومی برای توصیف تاریخی ملیت‌های بومی و غالباً مهاجر آمریکای شمالی پدید آمدند، بعدها به مفاهیمی جهان‌شمول تبدیل به‌دوراز هر گونه دیدگاه انتقادی برای تحلیل گروه‌های مذهبی-زبانی در خاور میانه به کار گرفته شدند.

حمیدرضا قانندی

hamzaedi@gmail.com

گسترش کشمکش‌های قومی و افزایش اهمیت آن در سیاست بین‌الملل، شاهد توجه فزاینده‌ای نسبت به مسئله قومیت و ناسیونالیسم در شاخه‌های گوناگون علوم اجتماعی هستیم. از اوایل قرن بیستم به بعد، تلاش‌هایی در جهت سیاسی کردن مسائل زبانی و مذهبی صورت گرفته است... واژه قومیت در اصل برای مطالعه یک چهارچوب تاریخی خاص، یعنی ایالات متحده آمریکا به وجود آمد که در آن گونه‌های زبانی، نژادی و مذهبی دارای ملیت‌های گوناگون زندگی می‌کردند. در حقیقت اغلب آثار اولیه درباره قومیت و گروه‌های قومی مربوط به مطالعات موردی در آمریکا بوده است. عیساچو با بررسی ۲۷ تعریف برگرفته از آثار نظری مربوط تأکید دارد این آثار به دوره مقبولیت نظریه «کوره مذاب» مربوط می‌شود بر اساس آن گروه‌های قومی گوناگون در این جامعه سرانجام در فرهنگ و شیوه زندگی آمریکایی حل می‌شوند.

ناتان گلنر و دانیل موبینیان به اصلی در باب قومیت اعتقاد داشتند به نام «ورای کوره مذاب» و بدین گونه تبیین داشتند: گروه قومی گروهی است با سبب فرهنگی و احساس هویت مشترک به عنوان یک گروه فرعی از یک جامعه بزرگ‌تر. تقریباً در حدود دهه ۱۹۶۰ بود که فرضیه لی هانسن در مورد (نسل سوم) یا (بقای هویت قومی) در آمریکا بسیاری از پژوهشگران و علمای قومیت را تشویق کرد تا این پدیده را در آمریکابرسی کنند. بیشتر آثار ارائه‌شده برای توجیه نظری دو ریافت اصلی در نظریات مربوط به قومیت برگرفته از موارد موجود در آمریکای شمالی یا اروپا بود از جمله آن‌ها مکاتبی چون کهن‌گرایی در برابر نوگرایی یا ابزارگرایی است. کهن‌گرایان قومیت را پدیده‌ای کهن یا عنصر اساسی موردنظر بشر می‌دانند و بر اهمیت روابط متکی بر زبان، مذهب و نژاد تأکید می‌کنند. مدرنیست‌ها یا ابزارگرایان معتقدند: قومیت و ملت قبل از آنکه طبیعی یا عنصر

۶

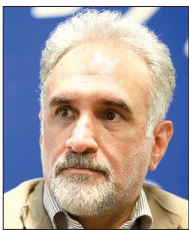
گفتمان مسلط جامعه ایرانی و استبداد

• ضد گفتمان تشیع علوی (گفتمان انقلاب اسلامی)

ضد گفتمان تشیع علوی از سوی سخنگویان آن یعنی دکتر شریعتی، آیت‌الله خمینی و استاد مرتضی مطهری مطرح می‌شود. شریعتی با طرح امامت به عنوان اصل مترقی که محتوی آن مبتنی بر ایجاد جامعه‌ای بی طبقه که هیچ شرافتی اعم از نژاد، طایفه، وابستگی به خاندان‌های قدرت و ثروت و نفوذ وجود ندارد و تنها وجه تمایز و برتری انسان‌ها تلاش و مجاهدت آن‌هاست (لیس للانسان الا ما سعی) و وسیله تقرب به خداوند جز تقوی نیست (ان اگر مکم عندا... اتقیکم) و خداوند نیز به هیچ کس وعده‌ای نداده است جز بر مستضعفین (غیر خودی‌ها) و نرید انمن علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم الائمه و نجعلهم الوارثین و جز شایستگی چیزی برای رسیدن به مناسب بالا نیست (السابقون السابقون اولئک المقرَّبون). در اینجا اشاره کنیم که منظور از قربت نزدیکی به حکومت و بهره‌مندی از امتیازات ویژه نیست. که متأسفانه نقطه ابهام بسیاری بوده و نوعی اشرافیت سیاسی ناشی از پیش کسوتی در مبارزه و امثالهم را موجب شده و نوعی برتری از نوع برتری‌های جامعه منیمه اشرافی صدر اسلام پیش می‌آید که در آن طلحه و زبیر از مجاهدین با سابقه بودند و حقوق ویژه‌ای مطالبه می‌کردند. استاندارد شریعتی به عملکرد و سخنان امام علی است. که سهم آنان از بیت المال را با کسانی



رحیم حمزه



احمد حکیمی پور



علی مهری

بحث با این جزوه بسته نمی‌شود و در واقع آغازی است که با مشارکت همه تداوم پیدا می‌کند. نگارندگان پیشاپیش از هرگونه انتقاد و پیشنهاد برای تکمیل این بحث استقبال می‌کنند. در بخش‌های قبلی تحت عنوان گفتمان مسلط جامعه ایرانی (گفتمان نابرابر) از تسلط تام و کامل ثنویت در گفتمان ایرانی سخن به میان آمد و استبداد و چگونگی شکل‌گیری آن در درون جامعه از نقطه نظر گفتمان تشیع تاریخی و سنتی و گفتمان نژاد آریائی مورد بررسی قرار گرفت و اینک گفتمان انقلاب اسلامی برخاسته از اندیشه ضد گفتمان تشیع علوی که در نقطه مقابل تشیع سنتی و تاریخی قرار می‌گیرد و به خواستگاه مبارزات ایران با هر گونه تفکر استبدادی مبتنی بر اشرافی‌گری به تبیین خواهد پرداخت.

جزوه «آسیب‌شناسی معرفتی جامعه ایرانی (با نگاهی به گفتمان اصلاح طلبی)» در سال ۸۶ تهیه و در سال ۸۷ تکمیل گردیده و در سال ۸۸ نیز مورد بازنگری قرار گرفته است. ابتدا در نظر داشتیم لحن جزوه را نیز به روز کنیم ولی از سوی دیگر لحن اولیه جزوه، حاوی نگرانی‌ها و دغدغه‌هایی بود که حوادث بعد از انتخابات نیز مهر تأییدی بر آن‌ها محسوب می‌شد، از این رو در ترسیم فضای هندسی ادعاهای تحلیل و تفهیم آن‌ها تأثیر دارد، لذا ما را بر آن داشت تا همان لحن اولیه را در انتشار مجدد این تحلیل حفظ کنیم. این جزوه در واقع تلاشی است برای طرح یک گفتمان و یا ایجاد رخنه‌ای در سامان دانائی جامعه و جا انداختن بحث ضرورت تحول معرفتی، بدیهی است این

سخنرانی دبیر کل حاما در جلسه افتتاحیه شاخه استان آذربایجان غربی در سال ۱۳۷۸

چرا ما هستیم؟ (فلسفه وجودی حزب اراده ملت ایران)

یکی از مباحث ضروری هر حزب و حرکت سیاسی، پاسخ مناسب به فلسفه و جودی خود است، و اساساً اینکه چرا یک حزب سیاسی شکل می‌گیرد و شکل‌گیری آن برای پاسخ به کدام یک از نیازها و خلأهای موجود در نظام سیاسی و اجتماعی آن کشور است، از مباحث بنیادی یک تشکل سیاسی محسوب می‌شود. بر این اساس هفته‌نامه اراده ملت در راستای معرفی مبانی شکل‌گیری و فلسفه وجودی حزب اراده ملت (حاما) مبادرت به انتشار سخنرانی دبیر کل حاما در جلسه افتتاحیه شاخه استان آذربایجان غربی در سال ۱۳۷۸ زیر عنوان «چرا ما هستیم؟» نموده است. در بخش‌های قبلی این نوشتار ضمن اشاره به تجربه و توشه یک‌صد ساله اخیر و

جمع مانسل ما، چنین ظرفیت و لیاقت و شایستگی را در خود دارد به شرط آنکه خود را باور کند و عزم و اراده خود را جزم کار ساماندهی و سازمان‌دهی لازم برای این امر مهم نماید. خودبند به دلایل پیش گفته، پس از دوم خرداد ۷۶ علیرغم دعوت‌های متعدد وارد هیچ یک از گروه‌های مجموعه دوم خرداد نشدم زیرا معتقد بودم که بعد از دوم خرداد وارد مرحله جدیدی شده‌ایم که باید گام بلند دیگری به پیش برداشت و طرح نویی را در انداخت. و تمام عزم خود را جزم همین هدف کرده‌ام. البته در یکی دو گروه عضویت داشته و دارم مثل مجمع نیروهای خط امام و مجمع نمایندگان ادواری مجلس شورای اسلامی که هم عضو مؤسس و هم عضو شورای مرکزی این گروه‌ها هستم که تشکیل آن‌ها هم به سال‌های قبل دوم خرداد برمی‌گردد و دران شرایط کمک به تشکیل و راه‌اندازی چنین گروه‌هایی را عین ضرورت می‌دانستم.

البته در شرایط فعلی ارتباطم را به حداقل رسانده‌ام چون حرکت حزب خودمان را در اولویت اول زندگی سیاسی خود قرار داده‌ام و بیشترین انرژی و توان را باید صرف این مسیر نمایم. ولی به هر حال به دلیل ارتباطات دوستانه و اطلاع از اوضاع و احوال جبهه دوم خرداد و استفاده از تجارب و امکانات آن مجموعه‌ها با اکثریت گروه‌های جبهه دوم خرداد در ارتباط می‌باشم و بر اساس چنین اطلاعاتی از داخل گروه‌های دوم

۶

اندوخته‌های گران سنگ پیشتان جنبش اصلاح طلبانه و فراز و نشیب‌ها، امیدها و ناامی‌های آن، عدم وجود فرهنگ کار جمعی؛ عدم اعتماد به نفس و عدم استقلال گروه‌ها و شخصیت‌های داعیه‌دار اصلاح از جمله «علل به نتیجه نرسیدن حرکت‌های اصلاحی گذشته» دانسته شده، در این راستا از جمله علل تشکیل حزب بیان گردید که در این شماره به بقیه علل و در ادامه به جایگاه حزب در کنار سایر گروه‌های دوم خرداد پرداخته شده است، و اینک پاسخ سؤال چرا با وجود این همه گروه و حزب که داعیه اصلاح و رهبری و پیشبرد جنبش جامعه مدنی و توسعه فرهنگ مشارکت در جامعه را دارند، ما نیز می‌خواهیم تشکیل جداگانه‌ای درست کنیم؟

است که با تساهل می‌توان آن را نسل ۱۷ شهریور نامید. باید خود را آماده مدیریت و رهبری و جریان اصلاح طلب کشور نماید و مسئولیت هدایت و سازمان‌دهی نسل دوم خرداد را به عهده بگیرد تا ان شاء الله... برای اولین



دیدگاه

واقعیت‌های احیای دریاچه ارومیه



هوشنگ عطاپور

فعال سیاسی و روزنامه‌نگار

dr_atapour@yahoo.com

تخریب محیط‌زیست و از بین رفتن منابع طبیعی ملی، جزو سه چالش اصلی کشور است. خشک شدن دریاچه ارومیه، در سایه فعالیت فعالین مدنی آذربایجان برای اولین بار زنگ خطر بحران‌های زیست محیطی را در کشور به صدا درآورد. ۶۶ سال پیش طرح بحران‌های زیست محیطی، به‌ویژه بحران خشک شدن دریاچه ارومیه، موضوع امنیتی بودند، ولی در سایه فعالیت طر فداران محیط‌زیست منطقه و تغییر دولت، مطالبه احیای دریاچه ارومیه راس‌تر شد و به یک خواست و مطالبه ملی و حتی بین‌المللی تبدیل گردید. تاجایی که یکی از وعده‌های مهم دکتر روحانی در جریان انتخابات ریاست جمهوری، احیای دریاچه ارومیه بود و اقدامات جدی، ولی نامؤثری در این ۵ سال صورت گرفته است که نتوانسته رضایت حامیان احیای دریاچه ارومیه و فعالین مدنی را جلب کند. در این یادداشت، نگارنده به‌طور خلاصه به چرایی عدم موفقیت برنامه‌های احیای دریاچه ارومیه به‌عنوان یک فرد مطلع و مسئول سابق محلی پرداخته است.

در دولت اول دکتر روحانی که برنامه‌های احیای دریاچه ارومیه در استان‌های آذربایجان با جدیت و مداوم پیگیری می‌شد، کمیته‌های استانی فرهنگی و اجتماعی کارگروه احیای دریاچه ارومیه تشکیل شد که بنده هم از سوی استاندار وقت استان آذربایجان غربی دبیر کمیته فرهنگی و اجتماعی کارگروه احیای دریاچه ارومیه منصوب شدم و مقرر شد زیر نظر معارف امور عمرانی وقت استانداری طرح‌های فرهنگی و اجتماعی را آماده و اجرا کنیم که حدود ۱۰۰ برنامه فرهنگی بخشی و فرا بخشی آماده و به معاون امور عمرانی که دبیر استانی کارگروه احیای دریاچه هم بودند، تقدیم کردیم. بعد از مدتی مشخص شد هیچ نوع اعتقادی به اجرای اقدامات مؤثر و پایدار فرهنگی وجود ندارد و گویا هدف سیاسی بوده تا فرهنگی از این حکایت که بگذریم، به چکیده تمام مطالبعاتی که علت خشکی دریاچه ارومیه و سایر منابع آب‌های سطحی که در جلسات کارگروه احیای دریاچه ارومیه گفته شد: اشاره می‌کنم:

علت اصلی و عمده خشکی دریاچه ارومیه و سایر تالاب‌ها و دریاچه‌های کشور افزایش مصرف آب کشاورزی بوده است. ۹۵ درصد آب مصرفی کشور در حوزه کشاورزی است و فقط ۵ درصد آب صرف تأمین مصرف شرب مردم می‌شود. اتفاق مهمی که بعد از انقلاب اسلامی در کشور رخ داده است، تغییر الگوی کشت و توسعه و سرعت زمین‌های زیر کشت زراعی و باغی بدون اصلاح روش‌های سنتی آبیاری و افت راندمان آب مصرفی بوده است. بر اساس برآوردهای کارگروه احیای دریاچه ارومیه در کشور ما حدود ۷۰ تا ۸۰ درصد آب مصرفی کشاورزی هدر می‌رود. در سال‌های اخیر در حوزه آب ریز دریاچه ارومیه محصولات آب‌بر، چون سیب، چغندر، هندوانه و... کشت شده است که در گذشته این محصولات در منطقه کشت نمی‌شدند.

در چهل سال گذشته جمعیت کشور دو برابر شده و نیاز جمعیت به محصولات کشاورزی و غذایی بیش از ده برابر شده است. زیرا الگوی مصرف مردم نیز کاملاً تغییر یافته است. یعنی در چهل سال اخیر نیاز بخش کشاورزی به منابع آب بیش از چهار صد برابر شده است. در حالی که در سال‌های فوق‌نهایتها میزان بارندگی بیشتر نشده است بلکه سال‌های متوالی خشک‌سالی را تجربه کرده‌ایم.

در نتیجه، کشاورزان برای حفظ میزان محصول خود، آب‌های موجود را به سمت مزارع و باغات خود هدایت کرده و هر ساله حق آبه دریاچه ارومیه غصب شده است. نتیجه تجاوز به حق آبه دریاچه ارومیه، مرگ آن بوده است.

راه‌حلی که ستاد احیای دریاچه ارومیه پیشنهاد داده بود توقف کشت محصولات آب‌بر در حوزه دریاچه ارومیه و پرداخت پول به کشاورزان بود. این طرح به ناکشت پول معروف شد و گویا در استان اصفهان نیز قبلاً اجرا شده بود.

بر اساس نظر کارشناسی ستاد احیای دریاچه ارومیه اگر سه سال ناکشت در منطقه میان‌دوباب

و شهرهای مجاور در استان آذربایجان شرقی، در کنار سایر ۷۲ طرح احیاء اجرا می‌شد، دریاچه ارومیه از مرگ حتمی نجات پیدا می‌کرد و اگر این برنامه و طرح‌ها برای ۱۰ سال ادامه پیدا می‌کرد، دهه میلیارد متر مکعب دریاچه ذخیره سازی می‌شد که ترازا کولوژیک دریاچه محسوب می‌شد. یعنی دریاچه احیا می‌شد.

وقتی این طرح‌ها در کارگروه ستاد احیاء در شهر میان‌دوباب برگزار شد و بنده نیز حضور داشتم، مطرح شد، دو تن از نمایندگان وقت شهرستان میان‌دوباب به شکلی مخالفت کردند که هیچ راه مصلحانه‌ای باقی نماند و در همان جلسه مسئولین ستاد احیاء عقب‌نشینی نمودند و گویا پیگیری همان نمایندگان رئیس‌جمهور نیز از طرح احیاء دریاچه عقب‌نشستند و طرح ناکشت به طرح بهکاشت مسخ شد و آن‌هم اجرا نشد و در نهایت تخصیص اعتبارات دریاچه ارومیه در بهترین حالت به ۳۵ درصد هم نرسید که آن‌هم صرف هزینه‌های اصلاح آبیاری کشاورزی شد که خیلی دردی از دریاچه روبه‌موت ارومیه و انکاردوالان می‌توان گفت دریاچه ارومیه مرده است.

پس مابادو علت در بحران زیست محیطی و افت خطرناک منابع آبی کشور روبه‌رو هستیم: یکی افزایش جمعیت و به تبع آن افزایش مصرف منابع آب موجود در کنار کاهش ورودی آب و خشک‌سالی، دومی بی‌تدبیری سیاستمداران در ایجاد فضای واحد تصمیم‌گیری برای مدیریت بحران زیست محیطی. ما در برنامه احیای دریاچه ارومیه مشاهده کردیم که مرگ دریاچه ارومیه نه از بی‌پولی، بلکه عقب‌نشینی و باج دادن دولت و ستاد احیاء به نمایندگان مجلس شورای اسلامی حوزه‌های انتخابیه بود. آن‌ها هم قطع و یقین به دنبال حفظ کانون رأی خود برای انتخابات آتی بودند که خوشبختانه هر دو هم رأی نیاوردند ولی خسارت سنگینی بر محیط‌زیست آذربایجان وارد ساختند.

پس به سادگی مشاهده می‌شود تا زمانی روابط دولت و مجلس شورای اسلامی نه بر اساس منافع درازمدت توسعه پایدار ملی، بلکه بر اساس پل‌بستان‌های سیاسی تعیین و مدیریت می‌شود هیچ مشکل زیست محیطی برای احیان دریاچه ارومیه که در کتاب‌های اجتماعی از مردم بر اساس آراء کارشناسی و طرح و برنامه علمی حل و فصل نخواهد شد. در این ۵۰ سال پول‌های فراوانی به نام احیای دریاچه ارومیه صرف شد، ولی دریاچه ارومیه مرده اما افرادی از این پول‌ها به نام و نوا رسیدند! آیدار دریاچه ارومیه قابل احیاء بود؟ داده‌های دقیق علمی نشان می‌دادند در صورت همکاری مردم و هماهنگی بین دولت و نمایندگان مجلس و اقتدار مسئولین محلی دریاچه ارومیه قابل احیا و زندگی بود. ولی صد حیف که سرنوشت نگین آذربایجان قربانی بی‌تدبیری‌های بی‌ارادگی مسئولین ملی و محلی شد.

هر چند که باز هم اگر از گذشته عبرت بگیرند و یک‌بار برای همیشه، به جای منافع زودگذر سیاسی به منافع بلندمدت ملی توجه بکنند احیای دریاچه ارومیه امری است شدنی!



مهم‌ترین تأکیدم در این سخنرانی که جمع بزرگی از مردان و زنان حوزه سیاست در طول ۴ دهه اخیر در آن حضور داشتند، آن بود:

۱. اگر واقعا بر ایمان اقتصاد مهم است، باید به محیط‌زیست بهاد دهیم؛

۲. اختصاص بودجه به محیط‌زیست، هزینه نیست، سرمایه‌گذاری است؛

۳. کشور ما در طول نیم قرن اخیر بیشترین ضربه اقتصادی را از ذبح ملاحظات و موازین محیط‌زیستی دریای منافع کوتاه مدت اقتصادی خورده است؛

۴. بلایی که سر ارومیه، خوزستان، بختگان، جازموریان، گاوخونی، میناب و دیگر کانون‌های زیستی کشور آورده‌ایم؛ از مایشگاهی عبرت آموز است که ثابت می‌کند: بدون توجه به محیط‌زیست، معیشت و اشتغال پایدار عملی نیست؛

۵. ما می‌توانیم در شمار قدرتمندترین کشورهای منطقه و جهان قرار بگیریم، اگر بر مبنای مزیت‌های واقعی، خواش‌های بوم‌شناختی و محدودیت‌های اقلیمی کشور چیدمان توسعه را از نو باز مهندسی و تعریف کنیم.

● کشوری که در محدوده عرض ۳۵ تا ۴۰ درجه نیمکره شمالی قرار گرفته نباید شعارش خودکفایی در کشاورزی باشد این یک خطای بزرگ و راهبردی است ما نباید به سمت افزایش وابستگی معیشتی به منابع آب و خاک حرکت کنیم بلکه باید شعارمان تأمین امنیت غذایی باشد و آن را از طریق پول تأمین نکنیم.

● ژاپنی ۲۳ درصد غذایشان را از داخل تأمین می‌کنند و ما طبق آمار ۹۱ درصد غذا را در داخل تأمین می‌کنیم و به همین دلیل همیشه از کابوسی به نام قحطی ترسیده‌ایم اما ژاپنی‌ها هرگز از این کابوس ترسیدند چون اگر ۶۰۰ میلیارد دلار واردات دارند ۶۵۰ میلیارد دلار هم صادرات دارند و هر چه بخواهند را می‌توانند بخرند.

● برگ برنده ما محیط‌زیست است ما می‌توانیم همچنان کشور نخست منطقه و کشور هفتم قدرتمند جهان باشیم به شرط اینکه بر اساس واقعیت‌های بوم‌شناختی کشور و فراغ از مصلحت‌های ایدئولوژیک، مذهبی و گروهی طرح‌های توسعه را طراحی کنیم.

اشتغال و توسعه و رشد اقتصادی و مهار تورم ملاحظات زیستی را کنار نگذاشتیم.

● با توجه به مشکلات پدید آمده از بی‌توجهی به محیط‌زیست در خوزستان، استانی که بزرگ‌ترین تولیدکننده کشاورزی کشور است و بیشترین میزان سرمایه‌گذاری نفت و گاز در آن انجام شده و منطقه آزاد اروند و ۳۳ درصد آب‌های سطحی کشور را دارد چرا باید کسی حاضر نباشد در آن زندگی کند. آن‌هایی که می‌گویند اقتصاد مهم‌تر از محیط‌زیست است آزمایشگاه خوزستان را ببینند که چه بلایی سر ما آورده است.

● چرا باید بیش از ۳۰ هزار سکونتگاه روستایی ما در نیم قرن گذشته خالی شود و حاشیه‌نشینی شهرها افزایش یابد.

● هیچ کشوری در دنیا نمی‌تواند ادعا کند که بیشتر از آن چیزی که ما در ایران از هر متر مربعمان انرژی خورشیدی دریافت می‌کنیم می‌تواند انرژی خورشیدی دریافت کند سال ۲۰۰۶ یو.ان.دی. پی. گزارش داد اگر عرصه‌ای به طول و عرض ۸۰۰ کیلومتر مجهز به سلول‌های فتوولتائیک شود می‌تواند نیاز به انرژی مردم جهان را برای یک سال تأمین کند.

● در آن مقطع حداکثر راندمان سلول‌های فتوولتائیک ۱۴ درصد بود امروز این رقم حداقل ۳۵ درصد است یعنی ما اگر منطقه‌ای به طول و عرض کمتر از ۳۵۰ کیلومتر را به این سلول‌ها مجهز کنیم می‌توانیم نیاز مردم جهان را به انرژی برای یک سال تأمین کنیم.

● ما که می‌توانیم با این تحریم‌های بی‌رحمانه یک زرد بسازیم چرا نتوانستیم سلول‌های فتوولتائیک به اندازه کافی تولید کنیم و چرا به سمت توسعه‌ای رفتیم که به شدت آب‌محور است و وابستگی معیشتی را به منابع

آب و خاک افزایش داده‌ایم.

● بدترین اتفاق در محیط‌زیست فرونشست زمین است اگر یک جنگل بسوزد و یا تالاب خشک شود می‌توانیم آن را دوباره احیا کنیم ولی اگر زمین نشست کرد دیگر به هیچ عنوان امکان برگشت شرایط وجود ندارد و ذخیره استراتژیک آب شیرین را از دست می‌دهیم.

● اتحادیه اروپا ۴ میلی متر نشست زمین در سال را شرایط بحرانی اعلام می‌کند سازمان زمین‌شناسی مادر سال ۲۰۱۰ اعلام کرد میزان نشست زمین در جنوب تهران به ۳۸ سانتی متر رسیده است و سال ۲۰۱۵ دوباره آن رکورد را شکستیم و در دشت فسا و جهرم این رقم به ۵۴ سانتی متر در سال افزایش یافت و آب از آب تکان نخورد هیچ صدایی از هیچ جایی بلند نشد چه تهدیدی از این بالاتر می‌تواند باشد.

● ما نتوانستیم آموزه‌ها و دغدغه‌های محیط‌زیستی مان را به شکلی جذاب و ملموس به سطح حاکمان و دولتمردان قدرت سالاران منتقل کنیم برای همین است که هنوز فکر می‌کنیم اگر به محیط‌زیست بهاد دهیم یعنی جلوی اشتغال و توسعه را گرفته‌ایم.

با توجه به اهمیت باز خورد های بعدی سخنان محمد دریش فعال محیط‌زیست در نهمین کنگره حزب اراده ملت ایران، بر آن شدیم تا گزیده‌ای را تقدیم مخاطبین کنیم. در ضمن در کنار آن، یادداشت‌های ایشان در کانال تلگرامی که حاوی تلنگرها و برداشت‌های سخنران از مواضع خود و حزب می‌باشد، ارائه می‌شود.

● مادر سال ۱۳۷۵ حدود ۳۳ هزار میلیارد متر مکعب آب در دریاچه ارومیه داشتیم. در آن زمان در دانشگاه تبریز همایشی برگزار شد و موضوع این همایش این بود که ما چگونه می‌توانیم از شر دریاچه ارومیه خلاص شویم. در واقع یکی از بزرگ‌ترین تهدیدها این بود که چرا حجم دریاچه ارومیه مرتب افزایش می‌یابد و بسیاری از اراضی و تأسیسات را نابود می‌کند.

● پیشنهاد شد ما بر روی همه رودخانه‌های منتهی به ارومیه ۱۰۵ سد احداث کنیم و اجازه ندهیم حتی یک قطره آب وارد دریاچه ارومیه شود و حتی گفته شد که این کار می‌تواند ۲۰۰ هزار فرصت شغلی جدید بیافریند. هر چند فعالان محیط‌زیست فریاد زدند که این کار می‌تواند به ضرر اقتصاد پایدار کشور تبدیل شود کسی گوش نکرد.

● امروز ما یک عرصه ۵ هزار کیلومتر مربعی را از دست داده‌ایم و در تمام ساحل شرقی دریاچه ارومیه با یک بحران جدی روبه‌رو شدیم به طوری که موج بزرگ مهاجرت و بیماری منطقه را فرا گرفته است.

● آیا بحران دریاچه ارومیه که در کتاب‌های درسی دانش آموزان استرالیای تدریس می‌شود یک استثنا بوده و آیا در جاهای دیگر به بهانه

– به ادبیات محیط‌زیست هراسانه پایان داده و چشم انداز روشن آینده را به کمک کاربست عملی آموزه‌ها و موازین محیط‌زیستی در وطن ترسیم کنیم تا در افق ۱۴۵۰ به هفتمین قدرت جهان بدل شویم.

– اگر برای حزب اراده ملت ایران واقعاً موضوع محیط‌زیست مهم است و نه صرفاً در حد شعارهای کاغذی دولت حسن روحانی و دیگر دولت‌های پیش از او؛ از خودش شروع

کرده و رسماً اعلام کند برای کمک به حل بحران ترافیک، آلودگی هوا، آلودگی صوتی و کم‌تحرکی به جای استفاده از خودروهای شخصی در تردهای درون شهری، از دوچرخه، پیاده یا وسایل حمل و نقل عمومی استفاده می‌کنند تا مردم ایران باز دیگر به سخنان سیاستمداران خویش ایمان آورده و یکپارچه برای مقابله با تحریم‌های ظالمانه ترامپ از آموزه‌های اقتصاد مقاومتی و ساده‌زیستی تبعیت کنند.

بازتاب

داشته‌های ما و زندگی دیگران

تمام لحظاتشان احساس می‌کنند در باورشان، تفکیک، تبعیض و تعصب جایگاهی ندارد و مانند رنگین کمان سرشار از رنگ هستند آن‌ها در روابطشان بی‌آلایش و صادق و در پیوندهایشان بسیار متعهد هستند آن‌ها در یک کلام خود زندگی هستند... اما در مقابل آدم‌هایی نیز هستند که سیاه و سفید هستند خالی از رنگ، زمانی که قدم به زندگی ات می‌گذارند رنگ خطر به صدار می‌آید و همیشه نگران ارتباط با آن‌ها هستی. ترس، دلهره و اضطراب هدیه همیشگی آن‌ها به دیگران است این‌ها هر کجا که بروند آنجا را خالی از عشق می‌کنند و می‌روند گویی تمام هنرشان همین است همیشه ترس از دست دادن نداشته‌هایشان را دارند نداشته‌هایی که تمام داشته‌هایشان است نداشته‌هایی مانند پول ثروت و موقعیت و منفعت، بسیار در روابطشان سست اراده و فاقد تعهدند در طول زندگی شان اغلب در یک وضعیت رشدی به سر می‌زنند و آن‌هم رشد در سطوح پایین است از هر گونه تغییر و ادامه دارند و اخلاق از نظر آن‌ها معنی ندارد این‌ها دستاوردهای دیگران آه و اشک و نفرت است در هر حال در پی کسب منفعت و لذت شخصی هستند دروغ از اینکه چه آسیبی به شخص مقابل وارد می‌کنند بسیار از نظر مادی خسیس و تنگ‌نظر و از نظر عاطفی ناپایدار هستند زندگی شان خالی از قید و بند است و به شدت دروغ‌گو و فریبکار هستند این‌ها همان چهره سیاه زندگی هستند...

گروه اول می‌توانند در خششی در افراد و جهان ایجاد کنند و ایجادگر تحول درونی و بیرونی در افراد باشند و گروه دوم به آسانی قادرند مایه خشم، آسیب و حرکت افراد و جهان به سمت شکست و ناکامی باشند پس بیایید با شناخت و آگاهی در راه را به روی دسته دوم ببندیم تا ذهن و قلبمان و همچنین جهان اطرافمان ایمن باشد.



الهام فرهادی
روزنامه‌نگار

elham.farhadi1364@gmail

آدم‌ها در زندگی خود با افراد مختلفی مواجه می‌شوند که هر کدام برای آن‌ها پیام‌هایی به همراه دارند، پیام‌هایی دل‌انگیز یا پیام‌هایی نفرت‌انگیز. پیام‌هایی که گاهی مسیر زندگی آن‌ها را در جهت‌های مختلف تعیین می‌کند و هر کس گاهی بی‌خبر از آنکه بلداند در زندگی دیگران چه نقشی ایفا می‌کند خواسته یا ناخواسته جهت حرکت آن‌ها را تغییر می‌دهد. عده‌ای مانند گل می‌مانند به هر کجا که قدم می‌گذارند آنجا و تمام اطرافش را عطر آگین می‌کنند و گاهی خود از این موهبت زیبایی اطلاع هستند، آن‌ها همان‌هایی هستند که اشک‌ها را تبدیل به لیخنه، غم‌ها را تبدیل به شادی، ضعف‌ها را تبدیل به قوت و بی‌اعتمادی‌ها را تبدیل به اعتماد می‌کنند. این‌ها با اشک‌ها و اشک می‌ریزند و با لیخنه‌ها می‌خنند و چه سنگ‌لاخ‌ها که بانبری و شکر فشان از قلب‌ها، مغزها و زندگی‌ها برداشته نشده است. همیشه بوی صداقت می‌دهند و رنگ آرامش به تن دارند حتی اگر بارها آن‌ها را برنجانید باز هم در کنار تان می‌مانند و آدمی بخشنده و دیر رهامی‌کننده اغلب مورد بی‌مهری و عداوت ناسپاس قرار می‌گیرد اما باز هم عطرشان هم‌اکنون است و بوی تعلق و اعتبار می‌دهند. در ذهنشان به جای خودخواهی دیگر خواهی را پرورش داده‌اند و در قلبشان به جای کینه مهر پرورده‌اند همواره در حال یادگیری هستند و تمام عمر چون یک نهال رشد می‌کنند و مانند سرو به سوی آسمان قدمی‌کنند ایمانشان آن‌چنان محکم و استوار است که زمان و مکان و جغرافیا نمی‌شناسد و خداوند را در

تونیکی می‌کن و در دجله انداز

چه فرقی می‌کند که او چه کسی بود. حتی اگر ذره‌ای نیکی کنی در چرخ گردون این نیکی به یادگار می‌ماند و تو نیکی را در دجله می‌اندازی و ایزد در بیابانت به تو کار نیکت را باز می‌گردند. آری کسانی که برای ماکار می‌کنند انسان‌اند و این تصویری است که آنان از مایه یادگار خواهند داشت.

اصرار داشت که نامش فاش نشود و نامش هیچ‌گاه فاش نخواهد شد. وقتی در حال عکس گرفتن بودم او در کنار من ایستاده بود و به تاریخ پیوستن کارش را نظاره می‌کرد. او در هزار توی تاریخ مجتمع گم‌شده ولی کارش در گنبد مینا و البته در دوربین من ثبت شد تا به یادگار بماند که آنان انسان‌اند. به راستی

کاری انجام دهد. اما به راستی این اقدام به نام همه تمام شد. او برای هم پرسنل مجتمع که حدود بیست نفر بودند به یکسان از زاق تأمین کرد. او در حالی این کار را کرد که نه عضو مدیران بود و نه مسئولیتی داشت، او فقط یک همسایه بود. پرسنل هیچ‌گاه نفهمیدند او که بود و فقط سه نفر بودیم که او را می‌شناختیم.



بهمن کبیری پرویزی

bkp2001ir@gmail.com

اقدامی بس پسندیده که هیچ وقت فراموش نخواهم کرد. در مجتمعی با دو هزار نفر جمعیت فقط یک نفر پیدا شد که چنین



بنیاد نیکوکاری رایحه

توانمندسازی و حمایت از خانواده‌های زن سرپرست دارای فرزند مستعد در تحصیل

موسسه فرهنگی هنری رایحه حامی بنیاد نیکوکاری رایحه برگزار می‌کند کلاس‌هایی با عناوین:

- ۱- دوره‌های مهارتی کار دانش، در رشته‌های گرافیک و مدیریت خانواده جهت اخذ دیپلم سال ۹۷ ثبت نام می‌نماید
- ۲- دوره‌های تربیت مربی مهد و پیش دبستانی جهاد دانشگاهی زیر نظر بهزیستی ۱۳ آبان ماه
- ۳- کلاس‌های آموزشی قرآن، تفسیر، شرح مثنوی
- ۴- آموزش و آزمون کامپیوتر
- ۵- آموزش خلاق ویژه کودکان ۴ تا ۶ سال
- ۶- همایش‌ها و کارگاه‌های مهارت‌های زندگی
- ۷- زبان انگلیسی ترمیک با صدور گواهینامه
- ۸- آموزش چرتکه و محاسبات ذهنی کودکان
- ۹- کلاس‌های هنری خیاطی، قالی بافی، بافتنی، ژورنال، چرم‌دوزی، و...
- ۱۰- آموزش خوشنویسی، نقاشی، شطرنج، ساخت ربات، مکعب ربیک
- ۱۱- کارگاه مادر و کودک با کارشناس و روانشناس ویژه گروه سنی ۱ تا ۴ سال به زودی در رایحه برگزار می‌گردد. همچنین ۶ آبان ماه بینایی سنجی ویژه گروه سنی ۱ تا ۶ سال و ۱۱ آبان ماه شنایی سنجی ویژه گروه سنی ۲ تا ۶ سال انجام می‌شود لطفاً قبلاً با واحد فرهنگی موسسه هماهنگ شود. در ضمن کلیه درآمد حاصله صرف امور خیریه بنیاد می‌گردد.

آدرس: تهران، جاده مخصوص کرج، نرسیده به شهرک اکباتان، خیابان بیمه سوم، خیابان شهید عظیمی، روبروی پارک گلایل، خیابان شهید قربانی، پلاک ۲ طبقه دوم - واحد فرهنگی رایحه مراجعه نمایید.

۴۴۶۶۱۵۱۵ داخلی ۱۲ و ۲۷

کتابخانه موسسه فرهنگی رایحه با ۱۵۰۰۰ جلد کتاب در فضایی بسیار آرام شامل سالن مطالعه و مخزن برای همگان و مکانی اختصاصی ویژه کودکان می‌باشد.

۴۴۶۶۱۳۱۳ داخلی ۱۳



هفته نامه سیاسی، اجتماعی
صاحب امتیاز: حزب اراده ملت ایران
مدیر مسئول: بهمن کبیری پرویزی

سر دبیران: علی مهری، رحیم حمزه
دبیر تحریریه: پیام فیض
مدیر پشتیبانی: شهرام آقایی

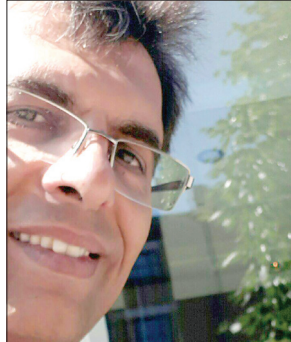
نشانی: تهران، خیابان باقرخان شرقی، نرسیده به خیابان جمالزاده روبروی خیابان دکتر قریب، پلاک ۱۷، طبقه اول
تلفن: ۶۶۹۱۸۵۵۵
نمابر: ۶۶۹۱۸۵۵۶
چاپ: هم‌میهن فارس
کد پستی: ۱۴۱۹۶۴۸۶۴۱
سازمان آگهی‌ها و امور مشترکین: ۴۴۶۷۲۹۳۴
ارتباط پیامکی با نشریه اراده ملت: ۳۰۰۷۶۵۰۰۲۹۶۷

نگاهی تفصیلی در باب راهبردهای ۱۱ گانه بیانیه نهمین کنگره حزب اراده ملت ایران



همبستگی و امیدو انگیزه در جامعه ظرفیت تداوم و نهاده‌نسازی همه‌پرسی از جمله الزامات یک گزینه مناسب برای همه‌پرسی است. اماروال تعین و گزینش یک محور مناسب برای همه‌پرسی چیست؟ با توجه به ملاحظاتی که مروری بر آن داشتیم. محور شایسته باید دستاورد گفتگو و بحث‌های استراتژیکی باشد که از دل اتاق‌های فکر و محافل اندیشه‌ورز بیرون می‌آیند. این کانون‌های تصمیم گیر باید شامل حضور و مشارکت احزاب به‌عنوان نهادهای مردمی سیاسی نمایندگان گروه‌های تخصصی و دانشگاهی، نمایندگان و مجریان پیگیری از جمله نمایندگان مجلس و شوراهای شهر و نمایندگان از سوی دولت و حاکمیت باشند. از آنجایی که تعیین تولی گری چنین اتاق فکریایی مبهم و چالش‌برانگیز است و سپهر سیاسی ایران در این ۴ دهه نیز، پیشینه موفقى در این امر به خود ندیده است. در گام نخست باید نشانه‌هایی از توافق جمعی این نهادها بر سر ضرورت برگزاری همه‌پرسی بروز نماید. در ادامه نیز در سپهر باز رسانه‌ای، از طریق تضارب آرای احزاب، جوامع دانشگاهی و نمایندگان ملت موضوعات و محورها مطرح و با ایجاد کمپین‌های مردمی به جلو پیش برود. احزاب دستاورد و خروجی دفاتر سیاسی خود را انتشار عمومی نمایند. محافل دانشگاهی در حوزه علوم سیاسی خروجی‌های خود را در اختیار عموم بگذارند، متولیان قانونی و حقوقی به آسیب‌شناسی و امکان‌سنجی آن اهتمام ورزند و در نهایت در فضای گفتگوی عمومی رسانه‌ای، بهترین و نزدیک‌ترین گزینه به آرای عمومی ملت برای یک همه‌پرسی مؤثر استخراج گردد.

لذا نگارندگان بر این باورند که در برخی جوامع همچون ایران، تعیین یک گزینه مدبرانه برای همه‌پرسی نسبت به برگزاری آن، امر حساس‌تر و پیچیده‌تری خواهد بود. چرا که به دلایل مختلف یک همه‌پرسی، می‌تواند جامعه را با چالش‌های به‌مراتب دشوارتری مواجه سازد. در بررسی و انتخاب موضوع رفتارندوم اشاره به برخی ملاحظات ضروری است. برخی از محورهای پیشنهادی که در سابقه پیشنهادها رفتارندومی در این‌هم ذکر شده دلیل تخصصی بودن و برخورداری از وجه بسیار بالای علمی، مناسب برای عرضه رأی عمومی نیستند. برخی دیگر نیازمند تصمیمات و تغییرات در گلوگاهها و مجاری دیگری هستند که به‌هیچ‌روی، رأی عمومی گامی پیش‌برنده برای رفع آن‌ها نخواهد بود. برخی از محورها نیازمند زیرساخت و زمینه‌های لازم برای طرح و اجرایی شدن هستند که در صورت عدم توجه دو سایه غفلت عمومی می‌تواند نظام تصمیم‌گیری را صلب‌تر و غیرقابل نفوذتر نماید. لذا انتخاب یک گزینه مناسب که هم‌زمان از چندین ظرفیت برخوردار باشد امر سیاسی پیچیده‌ای است. ظرفیت‌هایی چون ظرفیت تأمین مطالبه ملی، ظرفیت اصلاح و بهبود عملی و عینی شرایط، ظرفیت بازسازی و تحکیم روابط بین دولت-ملت، ظرفیت ایجاد



افشین فرهانچی

در طی این چهار دهه، پیشنهادهایی مبنی بر برگزاری همه‌پرسی از سوی گروه‌ها و چهره‌های مختلف سیاسی مطرح گردیده که البته هیچ کدام به نتیجه‌ای نرسیده‌است. این پیشنهادها شامل انواع همه‌پرسی‌ها از جمله تقنینی، تأسیسی، مشورتی و سیاسی اجرایی می‌شدند. این پیشنهادها برای برگزاری رفتارندوم یا همه‌پرسی در خصوص؛ خاتمه دادن به جنگ، ادامه یا قطع غنی‌سازی اورانیوم، رویکرد ایران در سیاست خارجی، بازنگری قانون اساسی، هدفمندی یارانه‌ها، افزایش اختیارات ریاست جمهوری، پرونده هسته‌ای بوده است که همگی تاکنون ناکام مانده‌اند. شاید هم موارد دیگری در لایه‌هایی از حکومت و دولت مطرح شده باشند که نگارندگان از آن‌بی اطلاع‌اند. در رابطه با همه‌پرسی دورویکرد وجود دارد دسته‌ای هستند که ماهیت همه‌پرسی را فارغ از موضوعیت آن، گامی در جهت برون‌رفت از مشکلات و معضلات کنونی می‌دانند و به نوعی آن را ابزاری برای اصلاح نظام می‌شمرند. دسته دوم کسانی هستند که معتقدند در برخی از جوامع، فلسفه وجودی یک همه‌پرسی نیز می‌تواند از سوی ساختار قدرت مصادره شود و حتی در جهت تحکیم مناسبات اقتدارگرایانه، بدون ایجاد هر گونه گشایش در امور سیاسی مردم و فضای آزاد ملی صورت پذیرد.

	هم‌پرسی	تاریخ برگزاری	تعداد شرکت‌کننده	میزان مشارکت	رای مثبت
۱	نظام جمهوری اسلامی	۱۲ فروردین ۱۳۵۸	۲۰/۳ میلیون نفر	۹۷/۳%	۹۸/۲%
۲	قانون اساسی جمهوری اسلامی	۱۲ آذر ۱۳۵۸	۱۵/۷ میلیون نفر	۷۵/۲%	۹۹/۵%
۳	بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی	۶ مرداد ۱۳۶۸	۱۶/۴ میلیون نفر	۵۴/۵%	۹۷/۵%

برگزاری جلسه شورای مرکزی حزب اراده ملت:

دبیران سه کمیته زنان، آموزش و اقشار و اصناف انتخاب شدند



اعضای دفتر سیاسی حزب با اکثریت آرا در این جلسه نیز انتخاب شدند. همچنین در این جلسه مقر شد سومین پلنوم حزب در تاریخ ۸ شهریور سال ۹۸ و سومین مجمع عمومی شاخه جوانان حزب در تاریخ ۲۹، ۳۰، ۳۱ فرودین سال ۹۸ برگزار شود.

کنگره) برگزار شد بر اساس اکثریت آرا **شمس‌الله افرازی زاده** به‌عنوان دبیر کمیته آموزش، **خانم معصومه رضایی** به‌عنوان دبیر کمیته زنان و **محمدهادی جامعی** به‌عنوان دبیر کمیته اقشار و اصناف حزب انتخاب‌شدند...

به گزارش روابط عمومی حزب اراده ملت ایران اولین جلسه شورای مرکزی حزب پس از نهمین کنگره سراسری روز جمعه عصر در هفته‌اخیر برگزار شد. در این جلسه که با حضور اعضای جدید شورای مرکزی (در انتخابات ترمیمی



زهره رحیمی

و حاکمیت باشد. در عین حال که به زعم بسیاری از کارشناسان و صاحب‌نظران از مهم‌ترین ظرفیت‌های معطل مانده قانون اساسی است. در بسیاری از کشورهای دموکراتیک جهان، به همه‌پرسی به‌عنوان یک روش – جدا از نقش پارلمان‌ها و رهبران سیاسی – در حل مسائل کلان نگاه می‌شود و این روش باعث می‌شود جامعه به‌طور مستقیم در فرایندهای بسیار مهم تصمیم‌گیری مشارکت نماید و خود اختیار و مسئولیت سرنوشت خویش را به دست گیرد. همگانی با آن‌ها عجین گشته و محل اختلاف بین جناح‌های سیاسی است. «در مسائل بسیار مهم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ممکن است اعمال قوه مقننه از راه همه‌پرسی و مراجعه مستقیم به آرای مردم صورت گیرد در خواست مراجعه به آرای عمومی باید به تصویب دو سوم مجموع نمایندگان مجلس برسد.» (اصل پنجاه و نه قانون اساسی) سومین و آخرین همه‌پرسی در جمهوری اسلامی ایران به سال ۱۳۶۸ خورشیدی در خصوص تغییر قانون اساسی رخ داد. جامعه ایران پس از این تاریخ دیگر شاهد هیچ گونه همه‌پرسی در خصوص قوانین، شرایط و تصمیمات سرنوشت‌ساز و مهم در کشور که سرنوشت همگان را متأثر می‌نمود نگر دید. علیرغم مشکلات اجرایی و موانع حقوقی که برخی در خصوص برگزاری همه‌پرسی مطرح می‌کنند، این پدیده در صورتی که از تمامی الزامات برخوردار باشد و ضمانتی برای اجرای نتایج آن تعریف و تعیین شده باشد می‌تواند یکی از بزرگ‌ترین چشمگیرترین و منطقی‌ترین گام‌ها برای بهبود رابطه بین مردم و

در دیدار ارکان حامای کرج با مدیرکل فرهنگ و ارشاد استان مطرح شد:

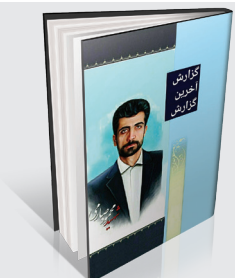
از سمن‌ها و سایر اقشار فرهنگی و هنری برای ایجاد نشاط در فضای عمومی شهر کرج دعوت شود

البرز مهندس محمد مسیبی نیز که در این جلسه حضور داشتند ضمن اذعان به شرایط کاری پیچیده در امر فرهنگی در شهر کرج، برای استفاده از ظرفیت‌های فرهنگی حزب در جهت اعتلای وضعیت فرهنگی شهر کرج آمادگی خود را اعلام کردند.

قائم‌مقام حزب اراده ملت استان البرز جناب حاج علی برقراری با استقبال از رویکرد فعالانه اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی در همراهی با برنامه‌های فرهنگی تهیه‌شده توسط مدیرکل محترم بازو وضعیت غیر قابل قبول مکان‌های فرهنگی شهرستان نظر آبابه به‌عنوان سومین شهر ستان پر جمعیت استان اظهار تأسف کرد و از مدیرکل خواستند که هر چه سریع‌تر به اداره فرهنگ و ارشاد شهرستان نظر آباد رسیدگی کنند. سایر اعضا حزب اراده ملت که در جلسه حضور داشتند نیز آمادگی خود را در عرصه‌های فرهنگی و اجرایی برای کمک به مجموعه متولی فرهنگ اعلام کردند

به گزارش روابط عمومی حزب اراده ملت طی دیداری که ارکان حزب اراده ملت استان البرز با مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی داشتند مهندس ناصر مقدم، ضمن گفت‌وگو درباره بررسی زمینه‌های همکاری فرهنگی، اجتماعی و هنری با اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی به تبادل نظر نیز پرداختند. در این دیدار عضو شورای شهر کرج و دبیر حزب شهرستان کرج پیشنهاد کردند که با دعوت از هنرمندان و شعرای شهر کرج نشاط را به شهر و نندان هدیه دهند. در این دیدار مهندس مقدم، ضمن ارائه گزارشی از وضعیت فرهنگی استان البرز، اظهار امیدواری کردند که با عقد تفاهم‌نامه با نهادهای تأثیرگذار متولی امر فرهنگ در استان به ویژه مساعدت شورای اسلامی شهر کرج و شهرداری کرج کمبودهای فضای فرهنگی شهر کرج هر چه زودتر آماده شود. دبیر حزب اراده ملت شعبه استان

معرفی کتاب



کتاب گزارش آخرین گزارش سال گذشته پیرامون شهادت شهید محمود صارمی منتشر شد. این کتاب با حمایت اسماعیل دوستی و زمانی منتشر شد و گردآوری مطالب منتشر و عکس‌هایی از آن شهید بود. برادر شهید رضایت خود را از چاپ و انتشار این کتاب اعلام داشت. این کتاب دربردارنده توضیحی پیرامون جغرافیای کشورهای پاکستان و افغانستان بود. همچنین این کتاب دربردارنده نامه برادر شهید با حامد کرزای رئیس‌جمهور وقت افغانستان بود. مصاحبه با همسر شهید و مصاحبه با مادر شهید از دیگر بخش‌های این کتاب هستند. این کتاب توسط بهمن کبیری پرویزی در سال گذشته منتشر شد و در همان سال توسط گردآورنده به زبان انگلیسی نیز ترجمه و منتشر شد.

دیدگاه

مجوز فعالیت دفتر حزب اراده ملت در مسجد سلیمان صادر شد

به گزارش روابط عمومی حزب اراده ملت علیرضا کورویی فرماندار شهر مسجد سلیمان طی نامه‌ای مجوز فعالیت دفتر حزب اراده ملت شعبه مسجد سلیمان را صادر کرد گفتنی است دبیر حزب اراده ملت در این شهر جناب آقای فرهاد خدادادیان است

سومین میزگرد اعضای شاخه جوانان اهواز تشکیل شد

به گزارش روابط عمومی و اطلاع‌رسانی حزب اراده ملت سومین میزگرد اعضای شاخه جوانان شعبه اهواز برگزار شد. در این جلسه که حول محور آسیب‌شناسی مسائل جوانان بود موضوعاتی مطرح و بررسی شد. از جمله معضلات مطرح شده در این جلسه را می‌توان به مشکلات اقتصادی، اعتیاد، افسردگی، عدم عدالت و تبعیض و الگوسازی غلط اشاره کرد. لازم به ذکر است این شاخه به‌نادر دتحت عنوان کارگروه‌های مجزاهر کدام از آسیب‌های ارائه‌شده را به‌صورت تخصصی و با ارائه راهکار بررسی نماید.

اتالله و اتاالله راجعون بقاء مختص ذات پاک اوست

جناب آقای علیرضا مقدم عضو

محترم هیات اجرایی حزب اراده ملت شعبه تهران غم از دست دادن عزیزان را تنها با تسلیم در برابر رضای خداوند و همدردی دوستان می‌توان تحمل نمود. به نهایت تأسّف ضایعه غم‌بار درگذشت خواهر گرامیتان را خدمت شما و خانواده محترم تسلیت عرض نموده، از خداوند متعال برای روح پاک آن مرحوم علو درجات و مغفرت الهی و برای خانواده محترم صبر جمیل آرزو مندیم.

روابط عمومی و اطلاع رسانی
حزب اراده ملت ایران (حامی)